



طبقه کارگر روسیه، لنین و
انقلاب اکتبر

پاسخی به رفقای آذرخش

گزارش دو آکسیون

بازنشانی جهانی-قطع شده

نقش منصور حکمت در جنبش
کمونیستی (۱۰) صفحه آخر

با نفی گرای و سیاهکاری ضد کمونیستی
مبارزه کنیم صفحه آخر

اوضاع کنونی و وظایف کمونیست ها
صفحه آخر

اعتصاب کارگران هفت تپه

اعتصاب نه تنها ادامه یافته بلکه قادر شده است که با توطئه های رژیم مقابله کند. دولت قول پرداخت دو ماه حقوق عقب افتاده از چهار ماه آنرا داده است. اما کارگران می گویند که زنان و بچه هایمان گرسنه هستند و دو ماه حقوق کفاف زندگی و حتی قرض های زندگی مان را نمی کند. جمهوری اسلامی کارگران را به مرگ گرفته تا به تب راضی شوند. آنها حقوق کارگران را نمی دهند تا کارگران فقط بر سر حقوق ها متوقف شوند اما کارگران می گویند خصوصی سازی و دزدی کارفرما باید متوقف شوند. آنها باید به زندان انداخته شوند و پول های دزدی شده به شرکت نیشکر هفت تپه برگردد. کارگران نقش مخرب خصوصی سازی و پول های هنگفتی که سرمایه داران از نیروی آنان بیرون می کشند را خوب فهمیده اند. آنها با پوست و گوشت خود استثمار بی رحمانه سرمایه داری را حس می کنند. امروز آن نفرتی که در اعتصاب و مبارزات طولانی مدت

در خبرها آمده بود که کارگران هفت تپه با دریافت حقوق های معوقه به اعتصاب خود پایان داده اند. اما سندیکا آنرا به عملی شدن خواست های خود از دولت و کارفرمایان موکول کرده است. دولت و کارفرمایان و اداره استانداری متحداً علیه این اعتصاب ایستاده اند و با تهدید و ارباب و از سوی دیگر وعده، وعید، ایجاد نفاق و چند دستگی بین کارگران سعی به درهم شکستن این اعتصاب دارند. همزمان کارگران غیر نیشکری هفت تپه بر سر خواست های خود به اعتصاب و تحصن خود ادامه می دهند و تا تهیه این نوشته ۸۸ مین روز خود را می گذارند. اخراج های فعالین کارگری از سندیکای نیشکر هفت تپه هم نتوانست کارگران را به عقب نشینی وادار کند. با تمامی شرایط سخت و مشقت باری که رژیم برای این کارگران بوجود آورده است، (جنبش کارگری در ایران با یکی از سرکوبگرترین شرایط سیاسی و بحرانی ترین شرایط اقتصادی روبرو است).

دهه شصت و تابستان ۶۷نشانی از مقاومت و مبارزه تا آخر

جانباختگان که نگین صبح فردا را در دل تاریک میدان های تیر و اعدام کاشتند، بنابه وظیفه بعنوان ادامه دهندگان راه گلگون شده ی حزب، یاد رفقایمان را که جان خود را در راه سوسیالیسم و طبقه کارگر بی دریغ فدا کردند، زنده نگهداریم.

رفیق عباس تهرچیان عضو دفتر سیاسی و مسئول تشکیلات ایالتی حزب- خراسان رفیق عباس صابری عضو دفتر سیاسی و مسئول تشکیلات ایالتی حزب- خوزستان رفیق فرامرزی وزیری عضو دفتر سیاسی، سردبیر رنجبر و مسئول ایالتی حزب - گیلان رفیق منصور قاضی عضو دفتر سیاسی و مسئول ایالتی حزب - مازندران رفیق محمود بزرگمهر عضو دفتر سیاسی و سردبیر رنجبر رفیق عباس برخوردار عضو دفتر سیاسی و مسئول تشکیلات ضد اطلاعات رفیق بهرام راد عضو دفتر سیاسی و مسئول کمیته ی نظامی حزب رفیق عطا کشکولی عضو دفتر سیاسی و مسئول ایالتی - آذربایجان رفیق هوشنگ امیر

مبارزه میان حزب رنجبران ایران و نظام جمهوری اسلامی، مبارزه مرگ و زندگی است چون هنوز چند روزی از استقرار حکومت نگذشته بود که متینگ سازمان انقلابی را در اسفند ۵۷ در سنگلج تهران، مشتی اوباشان حزب الهی بهم زدند وعده ای از رفقای ما را دستگیر و زندانی کردند. آغازی که هر روز که گذشت معلوم شد برای سرکوب کمونیستها به بورژوازی داخلی و بین المللی بویژه امپریالیسم آمریکا تعهد داده بودند. آزارزمان تا به امروز نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی برای ادامه سلطه خود دامنه کشتار و سرکوب را گسترش داده کلیه گرایشات سیاسی و جنبش های توده ای بویژه کارگران و زحمتکشان، زنان، دانشجویان را هدف قرارداده است. اما هر چه سرکوب بیشتر، آتش مقاومت و مبارزه شعله ورتر شده و امروز حلقه به حلقه حاکمیت در محاصره توده ای قرار گرفته است. در سال گرد خونین دهه شصت و آموزش از مقاومت

او را اعدام کردند

نوید افکاری کارگر، ورزشکار و شورشگری علیه

..... ظلم و ستم
نوید به احتمال زیاد زیر شکنجه کشته شد و جنایتکاران حاکم، شتابان، هراسناک و شبانه او را به خاک سپردند. مرتجعان هیچگاه از تاریخ درس نگرفته و همچنان نخواهند گرفت. آنها این شیوه جنایتکارانه حذف فیزیکی انسان را بکار می برند که درس عبرتی باشد برای جوانان دیگر. چهل و یکسال است سرکوب، دستگیر و شکنجه می کنند. به میدان های اعدام و تیر روانه میدارند و نتیجه آن رشد مقاومت و مبارزه بوده است. امروز نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی درمانده و فرومانده شده و حلقه به حلقه توسط توده های وسیع ستمدیده و استثمارشده در محاصره است. جنبش بزرگ رادیکال دیماه نود هشت در عمل ثابت

انتخابات در رژیم های سرمایه داری

دو انتخاب در چند ماه آینده در ایران و جهان برگزار می شود که تأثیراتی بر رژیم و مردم در ایران به اشکال مختلف خواهد گذاشت. یکی انتخابات آمریکا بعد از تظاهرات میلیونی ضد نژاد پرستی بین حزب دمکرات و جمهوری خواهان و دیگری انتخابات ریاست جمهوری در ایران بین اصول گرایان و اصلاح طلبان حکومتی می باشد.

انتخابات آمریکا در دوماه آینده و انتخابات ایران در سال آینده خواهد بود. هر دوی آنها از شباهت های زیادی برخوردار هستند.

۱ - در هر دوی آنها فقط دو جناح رسمی عملاً صاحب اختیارات هستند و بقیه گروهها عملاً در کنار دو جناح رسمی فعالیت دارند. در آمریکا حزب دمکرات و جمهوری خواهان و در ایران اصولگرایان و اصلاح طلبان حکومتی

۲ - در هر دو انتخابات نه برنامه های سیاسی و



اعتصاب کارگران.... بقیه از صفحه ۱

کارگران هفت تپه علیه سرمایه شکل گرفته است، در عمل مبارزاتی و ادامه آن، خود باعث بوجود آمدن آگاهی وسیعی در بین آنان شده است. کارگران اعم از فارس و کرد و عرب و ترک متحداً علیه کارفرما ایستاده اند. مبارزه علیه سرمایه داری مرز ملیتی و زبانی نمی شناسد. تلاش دولت برای بستن قدم به قدم نیشکر هفت تپه (از جمله فروش زمین های شرکت) با مبارزه متحد کارگران به شکست فضاقت باری برای رژیم و یک پیروزی برای کارگران انجامید. در طی نزدیک به سه ماه اعتصاب، سرسختی این اعتصابیون شجاع و ترس جنبش کارگری برای تحقق خواست های خود، باعث تغییر توازونی در این مبارزه شده است. که به لحاظ اهداف طولانی مدت آینده جنبش کارگری هم موثر خواهد بود. این مقاومت و پیگیری استوارانه، رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی را مجبور به راه اندازی دادگاههای فرمایشی برای فریب کارگران کرده است. کار به آنجا رسیده که مجلس شورای اسلامی گفته در صورت حل نشدن موضوع در آن ورود خواهند کرد. بعداً هم معلوم شد که ورود نمایندگان مجلس هم فقط یک نمایش برای فریب کارگران بوده و مجلس هم تا الان کاری برای کارگران انجام نداده است.

طی ۸۸ روزی که اعتصاب کارگران هفت تپه بی وقفه ادامه داشت، عناصر مختلف حکومتی با شیوه های مختلف سعی به آرام کردن کارگران داشتند. آنها چهره های مختلف و ظاهراً متضادی در دفاع از کارگران نشان می دادند ولی کارگران با تجربه ای که از حکومت اسلامی داشته و دارند، نه تنها فریب این دشمنان دوست ما را نخوردند بلکه بر سر درخواست های خود مصرانه ایستادند. آخرین خبرها حاکی از پرداخت دومه حقوق عقب افتاده به کارگران است.

هنوز مسئله مالکیت هفت تپه و خصوصی سازی در این شرکت حل نشده و این درخواست کارگران جواب روشنی نگرفته است. فشار جنبش کارگری باعث ترک هایی در تصمیم گیری های حاکمیت شده است. این اعتصاب که یکی از طولانی ترین اعتصابات تاریخ اخیر جنبش کارگری است، دارای تجربیات بسیار مثبتی در ادامه کاری کل جنبش کارگری است.

۱- رهبران این جنبش از شخصیت و درایت های خوبی برای متحد نگه داشتن کارگران برخوردار هستند

۲- این اعتصاب از سازماندهی مناسب و توانمندی برخوردار است

۳- سیاست های اعتصاب کنندگان، متحد نگه داشتن بخش های متحد جنبش کارگری و نیروی های مترقی بود

۴- این اعتصاب با تکیه به نیروی خود، قادر شدند که حتی از نیروی زنان کارگران هم به نحو بهینه ای در ادامه جنبش برخوردار شود.

۵- هم کارگران و هم رهبران خیابانی این اعتصاب نشان دادند که از هوشیاری و درک بالایی در مبارزه علیه توطئه ها و نظرات نادرست برخوردار هستند. درعین

حال کمک های بخش های مترقی از افراد تا سازمان های کارگری و مدافع کارگران در ایران و جهان از این جنبش از نکات دیگری است که در این جنبش و استواری آن نقش درخوری داشتند

مقاومت و ادامه کاری این اعتصاب مجدداً این حکم تاریخی را که حق گرفتنی و نه دادنی است، را ثابت کرد. ما ضمن تبریک بخاطر پیروزی نسبی در این مرحله از اعتصاب با یک هشدار، همیشه بایستی گوش به زنگ توطئه های آینده رژیم علیه کارگران و رهبران سندیکایی شرکت نیشکر هفت تپه باشیم. متحد ماندن کارگران برای ادامه درخواست ها از اولیه ترین موضوعاتی است که ضامن پیروزی های کنونی و آینده خواهد بود. روشن است در هر جنبشی نظرات مختلف در ادامه عملکرد آن شکل گرفته و سعی به تاثیر روی آن حرکات و جنبش ها دارند، برخورد درست به اختلافات در هر جنبشی می تواند به پرباری و ادامه کاری و توانمندی فکری و سازمانی آن کمک های شایانی بنماید. از اختلافات نباید ترسید باید آنرا روشن کرد و جایگاه آنها را در چشم اندازهای آینده نشان داد.

در طی چند سال گذشته که سندیکای نیشکر هفت تپه فعالانه عمل می کند، اعضا و رهبران مختلفی بخود دیده است که دارای نظرات گوناگونی در این جنبش بوده اند، که در هر مرحله بستگی به توازن قوا و شرایط بیرونی و درونی آن متفاوت بوده است. سازشکاری و دست به عصا راه رفتن تا حرکات افراطی موجود بوده است. اما حرکت و سمت عمومی برای رسیدن به درخواست و ۵ نکته ای که در بالا مطرح شد، نشان داده است که خط عمومی در مجموع خود درست بوده است. شعارهایی که در مقاطع مختلف مطرح شده است از "اداره شورایی"، "کار، نان، آزادی"، "کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم گرسنه ایم"، "کارگرفهت تپه ایم حق خود را می گیریم" نه تنها به لحاظ شعارها مترقی بودند بلکه تا حدودی سمت و سوی آینده را هم نشان داده است. این گامی به پیش در مبارزه جنبش کارگری علیه سرمایه داری است. تحلیلگران رژیم در روزنامه های خود می گویند شعار اداره شورایی متعلق به مارکسیست ها است و دولت با این ها طرف است. به زبان دیگر رژیم از مبارزات هفت تپه و رشدش موضوع پیوند جنبش کارگری - کمونیستی را درک می کند و با نان قندی و چماق قصد درهم کوبیدن آنرا دارد. کارگران هفت تپه با مبارزات خود ضد ستمگران و استثمارگران به همه متوهمین به این رژیم نشان دادند که این رژیم بعلت حرص و طمع بیش از حدش حتی در سطح اقتصادی هم قادر به تامین حداقل زندگی نیروی کار نیست. راهی بس تاریخی و پرشکوه در عین حال سخت در جلوی مبارزات کارگران و زحمتکشان برای رهایی از قید استثمار

و بردگی مزدوری وجود دارد. کارگران هفت تپه نشان دادند که طبقه کارگر بطور واقعی قادر به تغییر جامعه در زیر اداره شورایی و برای کار، نان، آزادی است. مهمترین مسئله که در پیش پای نه تنها کارگران هفت تپه بلکه کل طبقه کارگر ایران است، وحدت طبقاتی در عالی ترین سطح می باشد.

مهران پیامی

او را اعدام کردن... بقیه از صفحه ۱

کرد که جرات به مبارزه توسط توده ها به سطح نوینی رسیده است. نیروی میلیونی کارگری هرروز با اعتصابات و اعتراضات خود آبدیده تر، متشکل تر و انقلابی می شود. اعدام نوید افکاری، پهلوان نه به اعدام وکارگر مبارز، توسط رژیم جمهوری اسلامی بی جواب نخواهد ماند.

پاسخ طبقه کارگر بعنوان طبقه ای که رسالت تاریخی نجات بشریت را از شر نظام سرمایه داری عهده دار است، طبق جهانبینی واصل و برنامه اش از شعار " وحدت و تشکیلات " می گذرد.

پاسخ طبقه کارگرچنین است :

باید وسیعترین توده های مردم را که امروز کارد به استخوانشان رسیده و حاضر به همه گونه جانفشانی برای سرنگونی نظام سرمایه داری هستند، متشکل و متحد کرد. چنین تشکل و اتحادی تنها هنگامی هدفمند به پیروزی می رسد که ستون فقرات آنرا تشکلات کارگری تشکیل دهند. حزب کمونیستی که در درون چنین تشکلاتی ودر پیوند با آنها پا می گیرد، در عمل به حزبی نه جدا بلکه در پیوند با طبقه کارگر تبدیل می شود. در چنین حالتی است که پاسخ راستین به جنایت کشتن افکاری داده می شود. جهانبینی طبقه کارگر بر اینست که در مبارزه علیه مرتجعان باید در درجه اول کلیه خیالات واهی را بدور ریخت و بادید طولانی برای مبارزه ای سخت و راهی پر پیچ و خم آماده شد. باید غم از دست دادن مبارزانی چون نوید را به نیرو تبدیل کرد و به مبارزه تا آخر ادامه داد..

نه به شکنجه و نه به اعدام

سرنگون باد رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی مرگ بر امپریالیسم زنده باد آزادی و سوسیالیسم

حزب رنجبران ایران



دهه شصت و بقیه از صفحه ۱

پور عضو دفتر سیاسی رفیق فرهاد امیرغیاثوند، رفیق غلامحسین اهرابی، رفیق محمد ایزدشناس، رفیق بهرام بام دفر، رفیق ضیا بصیری، رفیق محمود تاج الدینی، رفیق فرامرز جمشیدی، رفیق فرزانه حسین جانی مقدم، رفیق بهرام جواهر حقیقی، رفیق حسن حقایق، رفیق خرم شاد حق پسند، رفیق حیدر کایدان، رفیق شهریار راضی، رفیق مهداد رضانی پور، رفیق حسام روان، رفیق بهمن رونقی، رفیق بهمن ریاحی صبری، رفیق فریدون رئیسی، رفیق ماهان سجادی، رفیق مصطفی صادق، رفیق مصطفی صدیقی نژاد، رفیق نادر فرشادفر، رفیق مسعود فرهمند، رفیق ایرج فرهمند، رفیق حسین قدس، رفیق علی کایدان، رفیق ترانه لطفعلیان، رفیق یوسف معمارزاده، رفیق عزیز نصیری، رفیق شاپور نورمنصوری، رفیق بهزاد ناجی، رفیق محمد نظر نوری، رفیق عادل نوری، رفیق مرتضی نهال بار، حزب رنجبران ایران بنیادش بر سنگ خاراى مبارزه تا آخر پرولتاری، در مبارزه با رژیم سرنگون شده سلطنتی محمد رضا و جمهوری سرمایه داری اسلامی حک شده و پرچم راستین انقلابی اش همچنان در اهتزاز خواهد ماند.

یاد جانباختگان دهه شصت گر امی باد
نه فراموش می کنیم و نه می بخشیم
حزب رنجبران ایران

انتخابات در رژیم... بقیه از صفحه ۱

اقتصادی بلکه تبلیغات و وعده و وعید ها حرف اول را می زنند.

۳ - غیر خودی ها بطور عملی و نه رسمی حق ورود به انتخابات نه در آمریکا و نه در ایران را ندارند.

۴ - هر دوی آنها انتخاب بین بد و بدتر است.

۵ - سازمان های امنیتی و مالی فیلترهای کاندیدیهایی برای عبور هستند. حرف آخر در این انتخابات را قدرت سرمایه و امتیازات اجتماعی طبقات دارای حاکم در گزینش کاندیداها تعیین می کند.

۶- هیچکدام نماینده طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه نیستند و طبقه سرمایه دار و امپریالیستی کشورشان را نمایندگی می کنند.

۷- هر دو رژیم از دروغگوترین و فریبکارترین رژیم های جهانی به حساب می آیند

۸ - هر دو رژیم مدافع مرتجع ترین و نیروهای تروریستی جهانی با ایده های هژمونی طلبانه و تقابل علیه یکدیگر هستند.

۹ - هردو رژیم در یکی از بدترین شرایط اقتصادی و سیاسی تاریخ خود در حال برگزاری انتخابات هستند. این انتخابات در عین حال در دو کشوری در حال برگزاری است که هم رژیم هایشان و هم شرایط اجتماعی اشان متفاوت است.

۱ - رژیم آمریکا یک رژیم امپریالیستی است که به مدت بیش از ۶۵ سال سرکرده امپریالیست های جهان بوده است و دستش تا مرفق به خون مردم جهان آلوده است. در عین حال برخی از آزادی های فردی اجتماعی در درون جامعه آمریکا را تا حد منافع سرمایه داری امپریالیستی رعایت می کند. در عین حال رژیمی بشدت نژادپرست بوده و اختلافات نژادی بشدت در جامعه موجود است. فاصله طبقاتی و ثروت و فقر در این کشور بیداد می کند.

۲ - رژیم ایران یک رژیم کشور پیرامونی با استبداد مذهبی است که آزادی های فردی اجتماعی و سیاسی را کاملاً از مردمش سلب کرده و بصورت دیکتاتوری فردی اداره می شود. و دستش تا مرفق به خون مردم خودش آلوده است. انتخابات در این رژیم در حقیقت یک انتصاب است با بهره گیری و سوء استفاده از بازی انتخابات در افکار عمومی.

مارکس درباره انتخابات در رژیم های سرمایه داری می گوید "هر چندگاهی بورژوازی از بین طبقه خود افرادی را برای جایگزینی با دولت قبلی برمیگزیند تا وظایف و منافع طبقه حاکم را به نحو بهتری انجام دهند". آنچه در این دو انتخابات روشن است هردو رژیم گرایش های فاشیستی داشته و انتخابات در آنها را باید از همین زاویه و گرایش های درونی این دو رژیم دید.

انتخابات در ایران

سال آینده در ایران سال انتخاب هشتمین ریاست جمهوری است. در این انتخابات کاندیدها از چندین فیلتر امنیتی و سیاسی عبور کرده و می بایستی در گذشته بطور کامل در خدمت سیاست های بشدت سرکوبگرانه و مخرب بوده باشند. لیست چهره هایی که روزنامه های وابسته و نزدیک به بالاترین ارگان های دولتی مطرح کرده اند، نشان می دهد که آنها تماماً از چهره های با سابقه نظام و نزدیک به خامنه ای هستند و در دایره خودی های نزدیک به "بیت رهبری" بوده و هستند. این انتخابات حتی خودی های منتقد را هم کنار خواهد گذاشت. تمامی کاندیداها در دایره مافیایی قدرت حضوری فعال داشته اند و در رانت خواری و دزدی و زد و بند و سرکوب نیروهای آزادیخواه و دمکرات از سابقه "درخشانی" برخوردارند. بسیاری از آنان عضو نهادهای امنیتی و نظامی بویژه سپاه پاسداران و از شکنجه گران این رژیم هستند. در عین حال آنها در حال زد و بند با جناح اصلاح طلب و برداشتن حصر از خانه کربوبی و شل کن سفت کن با جناح خاخمی و احمدی نژاد هستند.

این انتخابات در حالی برگزار می شود که بحران اجتماعی و رشد فقر و فلاکت در ابعاد وسیع و سیاست های ویرانگرانه، مردم را از دست رژیم کاملاً عاصی کرده است. عدم لیاقت رژیم در کنترل شیوع کرونا و کشته های بالای این بیماری در ایران به کمتر شدن توهم مردم از وعده و وعیدهای انتخابات و کاندیداها و بالا رفتن هشیاری آنان انجامیده است. کمتر کسی در ایران بجز جیره خواران این رژیم باور دارند که این انتخابات می تواند تغییری در وضعیت جامعه بوجود بیاورد. بی اعتمادی مردم نه تنها حقانیت داشته بلکه

از پایه های قوی مادی و تجربه تاریخی ازاین رژیم برخوردار است. معمولاً انتخابات در رژیم های سرمایه داری با وعده و وعیدهایی برای جمع آوری رای شرکت کنندگان شروع می شود و بعد از انتخابات به بهانه های مختلف این وعده ها یا انجام نمی گیرد و یا آنرا به فراموشی می سپارند. این قانون در ۴۰ سال گذشته بارها در ایران تجربه شده است. یک نمونه آخری آن، کسی که پاکترین دولت تاریخ ایران خود را معرفی می کرد (احمدی نژاد) معلوم شد از دزدترین دولت های معاصر ایران بوده است. دولت تدبیر و امید (روحانی) که قول رفاه و ثروت می داد، با تورم ۳۵٪ دست و پنجه نرم می کند. سفره های کارگران و زحمتکشانشان در دوره او به ۲ تا ۳ برابر زیرخط فقر سقوط کرده است.

ظاهراً جناح های مختلف برای نشست بر کرسی ریاست جمهوری در حال تدارک و جمع آوری نیرو برای رقابت هستند. اما این جناح ها اولاً هیچ برنامه اقتصادی و سیاسی متحول کننده ای را ندارند و بیشتر به ایراد گیری های کودکانه و بی ارزش از یکدیگر مشغول هستند. ثانیاً این جناح ها دارای قدرت تصمیم گیری نبوده و نیستند و تصمیمات مهم و اساسی را شخص خامنه ای و مشاورانش می گیرند و آنها تنها پادوها و اجرا کننده هستند. ماههای آینده مسائل دیگری از جمله جانشینی خامنه ای و تاثیر آن بر انتخابات ریاست جمهوری و تعیین کاندیداها از فیلتر شورای نگهبان و دستگاههای امنیتی روشن تر خواهد شد. اما از همین حالا روشن است که جناح های مختلف رژیم در عین اختلافات، برای حفظ رژیم به هر قیمتی "متحدانه" در انتخابات آینده شرکت خواهند کرد. اما ما کمونیست ها و مدافعین کارگران و زحمتکش می دانیم که قول مبارزه علیه فقر نابرابری و دزدی و تامین دمکراسی و عدالت اجتماعی با رژیم هایی نظیر جمهوری اسلامی یک فریب و دروغ بزرگ است.

حداقل مبنا ها برای برپایی یک انتخابات آزاد و دمکراتیک عبارتند از: اولاً حق آزاد و برابر و حضور نیروهای دمکراتیک و انقلابی و چپ و کمونیست در جامعه بصورتی نهادینه است. دوماً برابری همه در برابر قانون و مجازات کسانی است که قوانین را نقض می کنند. سوماً عدم مذهبی بودن یک دولت و یا رژیم است. چهارماً حق ایجاد تشکلات مستقل صنفی و سیاسی غیر دولتی بویژه برای طبقات فرودست اجتماعی. پنجماً حضور یک سیستم کنترل متقابل قوی و کارآ و مستقل

مسائل دیگری هم هست که نمی توان در عادلانه و دمکراتیک بودن یک انتخابات تاثیر مستقیم نداشته باشد مانند. برسمیت شناختن حق برابر همه شهروندان جامعه برای انتخاب شدن و انتخاب کردن، حق برابر زنان و ملیت ها و غیره.

با توضیحات بالا روشن است که انتخاباتی عادلانه و دمکراتیک هیچ همخوانی و یا قربانی با انتخابات رژیم اسلامی که فقط خودی ها را در دایره مافیایی قدرت جای داده است ندارد. دیگر انتخاب بین بد و بدتر هم موجود نیست انتخاب بین بدتر و بدترین هاست.

چند نقطه بحرانی در انتخابات گذشته مثل حمله آمریکا به ایران، عملاً با شکست آمریکا در سازمان ملل ضعیف شده است. طی چند سال گذشته که آمریکا ایران را در تحریم اقتصادی قرار داد به گفته مسئولین



رژیم با شکست مفتضحانه روبرو شده است آن هم در شرایطی که بار فشار کمرشکن اقتصادی کاسه صبر مردم را لبریز کرده است. اما همین گفته نشان از دروغ گویی رژیم حتی در مسائلی دارد که مردم بطور روزمره با آن دست به گریبان هستند، نمی دهد؟

اما انتخابات نوع دیگری هم در جوامع انسانی تجربه شده است که نیروی واقعی قدرت را ناشی از مردم می داند و برای احراز این نیرو بطور دائم آنرا از طریق شوراهای سازمان می دهد. شوراهای پایه های دموکراسی جامعه ای است که در آن حق عمومی انتخاب شدن و انتخاب کردن در وسیع ترین و آزادانه ترین شکل آن اجرا می شود. انتخاب کنندگان هر زمان که بخواهند قادر به به زیر کشیدن منتخبین خود بصورت مستقیم و بازو خواست از آنان هستند.

انتخابات آمریکا: که شباهت های زیادی به انتخابات ایران دارد. در آن میلیاردها دلار پول صرف تبلیغات انتخاباتی از طریق شرکت های سرمایه داری می شود تا بعد از پیروزی بتوانند با شرکای سیاسی حامی شان در دولت نه تنها پول های تبلیغاتی را برگردانند بلکه با شیوه های مافیایی شرکت های رقیب را به کنار بزنند. آمریکا در شرایطی به انتخابات ریاست جمهوری می رود که رژیم آمریکا بخاطر سود شرکت ها و رقابت های بین المللی از مبارزه با کرونا کاملاً عاجز شده است. بیش از ۲۰۰ هزار نفر جان خود را از دست داده و یک میلیون مبتلا در جامعه روی دستش مانده است. از طرف دیگر جامعه آمریکا همچنان در بستر یک اعتراضات و کشاکش های اجتماعی که با شعار جان سیاهان مهم است، رشد یافته است روبرو است. دو حزب دموکرات و جمهوری خواه آمریکا که بطور سنتی ریاست جمهوری های آمریکا را تعیین می کنند، در این بحران هم نشان دادند که در تقابل با جنبش های اجتماعی سربرآورده از درون جامعه آمریکا بسیار فریبکارانه و در خدمت اهداف سیاسی خود سیاست های نان فندی و چماق را پیش می برد. حزب دموکرات آمریکا ظاهراً با دلسوزی نسبت به این جنبش ها و حزب جمهوری خواه با انگشت اشاره و سرکوب به آن برخورد می کنند.

مشکل دیگر در جامعه آمریکا مسئله اقتصاد و نیز خدمات اجتماعی در داخل و قدرت هژمونیکش در خارج است که هر دو در حال سقوط نرم هستند. نرخ بیکاری به حد بالای ۱۰ درصد رسیده است و رقابتی آمریکا هر چه بیشتر این کشور را در چالش های جهانی به عقب نشینی وادار می کنند. مدتی است که مسئله جواب به مشکلات بین المللی و از دست دادن قدرت هژمونیک آمریکا باعث شده است بخشی از تبلیغات را در انتخابات آینده آمریکا بخود اختصاص دهد. دموکرات ها در عین ضدیت افسارگسیخته با چین و روسیه خواهان تعامل و شراکت با برخی از کشورهای اروپایی برای سلطه بر بازارهای جهان حتی به صورت موقت هستند در حالیکه جمهوری خواهان بر سرکرده گرای آمریکا و سلطه بر کشورهای اروپایی و تهاجم سیاسی و اقتصادی و نظامی تاکید می کنند.

آنچه که روشن است با تمام سایه و روشن های سیاست جناح های مختلف در آمریکا و ایران سیاست های استراتژیک و راهبردی آنها با این انتخابات تغییر

نخواهد کرد. رژیم های طبقاتی را با انتخابات نمی شود تغییر داد. کسانی که در این توهم و خود فریبی دچار هستند که با انتخاب این و یا آن جناح و به قول معروف از "این ستون به آن ستون فرجی هست" و می توانند در زیر پاهای بورژوازی نفس بکشند، فقط به بدتر و طولانی شدن اوضاع کنونی کمک می کنند.

هیچ راهی بجز انقلاب کردن و سرنگونی این رژیم ها نمی تواند اوضاع را برای کارگران و زحمتکشان این کشورها حتی بهبود ببخشد. این وظیفه یک طبقه تاریخی است که این امر تاریخی را به پایان برساند و آن نیرو طبقه ای بجز طبقه کارگر بین المللی نیست.

مهران پیامی

طبقه کارگر روسیه، لنین و انقلاب اکتبر

انقلاب اکتبر که همچون توفان و زلزله ای دنیای سرمایه داری را تکان داد و نوید دنیای آزاد و عادلانه ای را برای کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده سرتاسر جهان به ارمغان آورد. تأثیرات انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ که در آن پرولتاریای روسیه در یکی از پهناورترین کشورهای بزرگ سرمایه داری به قدرت رسیده، در حیطه روسیه نماد و اکثر جوامع بشری با الهام از این انقلاب دست به انقلابات برای تغییر جوامع خود زدند. به ماه اکتبر نزدیک می شویم و باز خوانی دو انقلاب، انقلاب اکتبر روسیه و انقلاب چین بخاطر ضرورتی برای بکار گیری تجربیات آن در ادامه انقلابات آینده جهان همیشه وجود داشته است. ما در این نوشته سعی کردیم به انقلاب اکتبر برخورد کنیم و در نوشته های دیگر مسئله انقلاب چین را مورد درس آموزی قرار خواهیم داد.

تغییراتی که در خود روسیه در زمینه رشد تکنولوژی و بار آوری تولید و نیز مبارزه طبقاتی تحت لوای دیکتاتوری پرولتاریا به نفع طبقات فرودست اجتماعی بوجود آمد، زمینه های ماندگاری و تثبیت قدرت سیاسی پرولتاریایی را تا چند دهه حفظ نمود. ولی بعلت کم تجربگی پرولتاریای جهانی، در زمینه ساختمان سوسیالیسم در روسیه اشتباهات متعددی و نیز خیانت هایی صورت گرفت که باعث از دست رفتن قدرت سیاسی و بازگشت روسیه به یک کشور سرمایه داری شد. با تمامی این احوال با نگاهی به این انقلاب که تا به حال در سرنوشت بشریت تأثیرات شگرف و همیشگی به جای گذاشته است و یکی از پدیده های انقلابات جهان محسوب می شود، برای همه آزادخواهان و عدالت طلبان و مبارزینی که علیه ظلم و ستم و استثمار و استعمار مبارزه کرده و می کنند دارای تجربیات بس ذقیمت و گرانبهائی است که می تواند با درس گیری از آنها راه های مبارزه علیه سرمایه داری را هموارتر کرد.

این انقلاب وقتی به پیروزی رسید که طبقه کارگر روسیه تحت اندیشه های درست مارکسیستی-لنینیستی نقش هدایت کننده آنرا بعهدہ گرفت، نقشی که توسط لنین و با تطبیق کمونیسم علمی بر مبارزه طبقاتی در روسیه ایفا شد. لنین نه تنها در انقلاب روسیه در بسیاری مواقع نقش تعیین کننده ای داشت بلکه در عین حال

در مبارزه نظری علیه دشمنان و دوستان متزلزل طبقه به غنای نظریات کمونیسم علمی کمک های تعیین کننده ای کرد. او به مثابه رهبر نه تنها انقلاب کارگری در روسیه بلکه یکی از برجسته ترین رهبران پرولتاریای بین المللی بسیاری از اندیشه های علمی را در زمینه های مختلف مبارزاتی تکامل داد و به گنجینه کمونیسم علمی افزود. در عین حال او یک رهبر عملی و سازمانده برجسته انقلاب اجتماعی در روسیه بود. ما در زیر بعلت نقش اندیشه های او در پیروزی انقلاب روسیه برخی از آنها بصورت تیتروار می آوریم :

۱ - نظریه اقتصادگرایی در جنبش کارگری را نادرست و دنباله روی از جریان خود به خودی را ایدئولوژی اپورتونیستی می دانست

۲ - لنین نقشه و برنامه ریزی برای انقلاب، ساختمان حزب کارگری (حزب کمونیست سرتاسری روسیه)، ساختمان سوسیالیسم را به گنجینه های مارکسیسم افزود.

۳ - لنین با درک رشد روند سرمایه داری کارکرد قوانین درونی آن، مسئله امپریالیسم و دوران عصر جدید سرمایه داری و پیش درآمد انقلابات پرولتاریایی در این دوران را بیرون کشید.

۴ - با طرح علمی مسئله دولت در طول جوامع طبقاتی، نه تنها علیه نظریات اپورتونیستی همچون دولت همگانی را افشا کرد بلکه به آموزش مارکسیسم در زمینه طرح دیکتاتوری پرولتاریا، رژیم شورایی و مناسبات حزب و طبقه و قدرت سیاسی پرداخت

۵- لنین نقش اشرافیت کارگری و انشعاب در سوسیالیسم را که ناشی از ریزش بخشی از فوق سود امپریالیستی به درون طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی بوجود آمده است را نشان داد.

۶ - نقش کمونیست ها در مبارزات کشورهای پیرامونی برای بدست گیری رهبری مبارزات طبقاتی و انقلابات دموکراتیک در یک مبارزه بی امان با بورژوازی و دارو دسته های مذهبی و فئودالی را نشان داد و درسهای آنرا در انقلاب روسیه بیرون کشید

۷ - لنین با افشای نقش اپورتونیستی انترناسیونال دوم در تسلیم طلبی به امپریالیست های خودی، دست به ایجاد انترناسیونال پرولتاریایی سوم زد.

۸- در زمینه فلسفه با مبارزه سرسختانه با کسانی که از انقلاب روی برمی گردانند و یا منفعل می شود و بیرون کشیدن زمینه های فلسفی آن بویژه در کتاب امپریوکریتیسیم و ماتریالیسم تاریخی، نقش ایده های ماتریالیستی و ماتریالیسم دیالکتیک را برای پیروزی در مبارزات طبقاتی روشن کرد.

۹ - در زمینه ملی، لنین با شناخت از عصر و دوران امپریالیسم و تکامل مسئله ملی، آنرا با دقت توضیح داد و استراتژی و تاکتیک های حزب طبقه کارگر را با این مسئله روشن کرد.

۱۰- در بعد از پیروزی انقلاب اکتبر لنین برخی از مسائل اقتصادی و سیاسی دوران سوسیالیسم و درکی که از مبارزه طبقاتی در این دوران وجود دارد چه در سطح بین المللی و چه در سطح روسیه فئودال-



امپریالیستی روشن کرد.

۱۱- او نحوه برخورد سیاسی و ایدئولوژیکی حزب طبقه کارگر به مذهب را توضیح داد.

موضوعات اشاره شده بخش هایی از درس های لنینی از انقلابات پرولتاریایی نه تنها در روسیه بلکه در سرتاسر جهان را به مثابه آموزش هایی برای پرولتاریای بین المللی به ارمغان گذاشت.

در کشور ما ایران تاثیر این انقلاب نسبت به کشورهای منطقه بازم بیشتر بود چون از یکسو روسیه تزاری نیروی تجاوزگر و سرکوبگری نسبت به ایران بود و بلشویک ها با رسیدن به قدرت تمام امتیازات روسیه را نسبت به ایران یکطرفه لغو کردند و از سوی دیگر کارگران ایرانی مهاجر توانسته بودند به جنبش کارگری روسیه پیوند یابند و تجربه بیاموزند.

رفیق یونس پارساناب در «تاریخ صد ساله جنبش های سوسیالیستی، کارگری و کمونیستی ایران» می نویسد:

«دست اندرکاران و اعضای فعال سازمان «همت» با جناح بلشویک حزب سوسیال-دموکرات روسیه به رهبری لنین رابطه ی تشکیلاتی داشتند. یکی از کمک های این سازمان نقل و انتقال نشریه ها، به ویژه نسخه های روزنامه «ایسکرا» بود که در شهرهای لایپزیک، مونیخ و وین چاپ و از راه تبریز به باکو و دیگر نقاط روسیه تزاری می رسید. در آن زمان روزنامه ی «ایسکرا» که لنین نشر آن را برای تشکیل و تقویت یک حزب طراز نوین کارگری امری ضروری می دانست، توسط خودش و همسرش نادیا کروپسکایا در شهرهای آلمان و اتریش چاپ و به وسیله بلشویک ها از طریق کشورهای همجوار ایران به تبریز ارسال می شد و فعالین سازمان «همت» در شهر تبریز که مدتی بعد حزب سوسیال - دموکرات (فرقه اجتماعیون-عامیون) ایران را تاسیس کردند، نسخه های «ایسکرا» را به باکو می رساندند. به طوری که از مکاتبه های دست اندرکاران و خبرنگاران «ایسکرا» مشاهده می شود این کار را لنین و کروپسکایا نظارت می کردند. در نامه ای که کروپسکایا در بهار ۱۹۰۱ از سوئیس به مسئول این کار نوشته است تاکید می کند: از طریق ایران چهار بسته فرستاده شد... چگونگی را اطلاع بده، سرعت حمل مطبوعات تا چه اندازه است؟ دانستن این موضوع اهمیت دارد تا بدانیم آیا این راه برای ارسال شماره های «ایسکرا» هم بدرد بخور است یا اینکه تنها جزوات را از این راه [می شود] حمل کرد. آنچه می دانی بنویس»

این پیوند کمونیستی بین کمونیست های ایرانی و روسی در سال های پیروزی انقلاب اکتبر و پس از آن ادامه یافت.

سوسیال دموکراسی روسیه طی قطعنامه ای در باره ایران چنین می گوید: صویر،

سوسیال دموکرات کارگری روسیه علیه سیاست راهزنانه دارودسته تزار که در صدد اختناق آزادی خلق ایران است و در این کار از هیچ گونه عمل وحشیانه و کثیفی روگردان نیست، اعتراض می کند. کنفرانس اعلام می دارد که اتحاد دولت روسیه و دولت انگلستان که لیبرال های روس با انواع وسایل آن را تبلیغ و از آن پشتیبانی می کنند قبل از هر چیز علیه جنبش دموکراسی آسیا متوجه

پاسخی به رفقای آذرخش

نوشته زیر پاسخی است به پرسشنامه ای که سایت آذرخش برای یکی از رفقای شرکت کننده ارسال کرده بود. به ابتکار او یک گروه کوچک ۸ نفره طی مطالعه و بررسی و تبادل نظر، نتایج کار خود را بصورت گزارشی با امضای جمعی از فعالین کمونیست در تاریخ ۱۳ ژانویه ۲۰۱۹ برای سایت آذرخش ارسال کرد.

به رفقای آذرخش

با درود به رفقای عزیز

ما سند ارسالی شما رفقا را فردی و جمعی مورد بررسی قرار دادیم. پس از تبادل نظر نتیجه آنرا بعنوان گزارشی با شما در میان می گذاریم. قبل از طرح نکات اساسی مشترکی که فکر می کنیم می تواند زمینه ای برای تبادل نظر با هدف مشترکمان باشد و در زیر می آیند مایلیم اشاره کنیم:

ما بر این باوریم که با توجه به تاریخ صد ساله جنبش کمونیستی و اوج گیری مبارزات طبقه کارگر جهت مبارزه ای متشکل تر از پیش، ایجاد حزب پیشرو انقلابی طبقه کارگر - حزب کمونیست امروز به وظیفه ای مبرم و ضروری تبدیل شده است. به باور ما این وظیفه از روند متحد شدن کمونیست ها و در نتیجه نفی دیالکتیکی تشکیلات خود در خدمت به جنبش متشکل و منسجم بزرگ کارگری کنونی ایران می گذرد. درست بدین خاطر باید روی دو پا جلو رفت که در صورت اتخاذ چنین استراتژی یا راهکاری احتیاج به تشکیلاتی است که از همان آغاز کیفیت بالای انجام وظایف تعیین شده را داشته باشد.

یکم

پس از صد سال ورود کمونیسم علمی به ایران و پایه ریزی جنبش کارگری و کمونیستی، پس از صد سال مبارزه ای پنهان و علنی، مسلحانه و مسالمت آمیز، پس از صد سال خیزش ها و فرو ریزی ها با اینکه هنوز پراکندگی گریبانگیر این جنبش است ولی طبقه کارگر و گردان های آگاه آن در برابر بورژوازی حاکم بطور استوار در کلیه جبهه ها ایستاده و بعنوان یک آلترناتیو سیاسی امروز همچون گذشته در صحنه سیاسی مطرح است و درست بر این اساس ایجاد حزبی کمونیستی و متحد نه تنها ضروری بلکه مبرم می باشد.

دوم

جامعه کنونی ایران سرمایه داری است با ویژگی های اساسی در زمینه های تاریخی - اجتماعی و اقتصادی خود:

* در دوران تسلط جهانی سرمایه اتحصادات و سیاست های نئولیبرالیسم امپریالیستی - ایران به جرگه ی جهان سرمایه پیوسته است

** سرمایه داری که تولید و بهره برداری و فروش نفت خام و معادن و گاز آن در بازار جهانی از یک طرف و رانت خواری گسترده دولتی و شرکت های

است و این اتحاد، حکومت لیبرال انگلیس را به شریک جرم در جنایات خونین حکومت تزاری تبدیل می کند. کنفرانس، همبستگی کامل خود را با مبارزه مردم ایران و به خصوص با حزب اجتماعیون عامیون ایران که در مبارزه علیه ستمگران تزاری متحمل اینهمه تلفات شده است اعلام می دارد.

در اعلامیه ای خطاب به مسلمانان روسیه و مشرق زمین چنین می نویسد: "... ما اعلام می کنیم که عهدنامه ی سری راجع به تقسیم ایران نابود شده و به محض پایان عملیات نظامی، قشون روس از ایران خارج شده و حق تعیین مقدرات ایران به دست ایرانیان تامین خواهد شد."

این نگاه لنین به مسئله استعمار نه فقط در بین نیروهای سوسیالیست ایرانی که حتی در بین ملیون ایران هم شور و شفع بسیاری را برانگیخت. عارف قزوینی در وصف لنین شعری سروده و او را «فرشته رحمت» می خواند. محمد تقی بهار در سال ۱۳۲۴ در نشریه پیام نو مقاله «لنین بزرگ» را می نویسد. او در این مقاله سعی می کند علاوه بر اینکه طرحی از زندگی لنین را ارائه کند خلاصه ای از ایده های او را نیز به ایرانیان معرفی کند

ملک الاشعرا بهار در توصیف اوضاع ایران و نقش دو قدرت استعماری که ایران را بین خود تقسیم کرده بودند نقش لنین را چنین توصیف می کند: "دو دشمن از دو سو ریسمانی به گلولی کسی انداختند که او را خفه کنند. هرکدام یک سر ریسمان را گرفته می کشیدند و آن بدبخت در میان تقلا می کرد، آنگاه یکی از آن دو خصم یک سر ریسمان را رها کرد و گفت: ای بیچاره من با تو برادرم و مرد بدبخت (ایران) نجات یافت. آن مرد که ریسمان گلولی ما را رها کرده لنین است.

بجز نوشته های که با
امضا و تصریر من منتشر
گردد و بیانگر نظرات
حزب رنجبر و رنجبران
باشد

دیگر نوشته ها مندرج در
نشریه رنجبر به امضاها
فرد است و مسئولیت
آنها با نویسندگان
باشد.



رانت خوار خصوصی و بنگاه‌های مذهبی از طرف دیگر سیمای اقتصاد آنرا شکل داده است. این خصوصیات تاثیر مستقیمی در شکل‌گیری بورژوازی ایران داشته و امروز ما با یک طبقه ی بورژوازی چه در حاکمیت و چه در رقابت با آن روبرو هستیم که هم با امپریالیسم و بازار انحصارات جهانی ارتباط دارد و هم بوروکراتیک - نظامی رانت خوار و انحصار طلب و به شدت مستبد و فاشیستی است.

سوم

ایران در موقعیت استراتژیکی جهانی قرار دارد الف - با رشد کمی طبقه کارگر و مزدبگیران، ایران امروز در ردیف خط کمربند طولانی جنوبی جهان که به عظیم ترین تمرکز ذخیره نیروی کار تبدیل شده واز دریای چین تا در یای مدیترانه گسترش دارد قرار گرفته است.

ب - ایران قلب خاور میانه بزرگ است و منطقه خاورمیانه میدان بزرگ رقابت های انحصارات جهانی قدرت های امپریالیستی و همینطور جدال بزرگ طبقاتی بین بورژوازی و پرولتاریاست پ - مصر، ترکیه، ایران و پاکستان چهار کشور بزرگ وپر جمعیت منطقه اند که طبقه کارگر آنها همراه فرودستان و توده های هیچ بوده، اکثریت عظیمی را تشکیل می دهند. در هر چهار کشور طبقه کارگر به نیروی قادری در مبارزات انقلابی بعنوان بدیل اجتماعی و سیاسی تبدیل شده اند. این چهار کشور از ملیت های مشترک با فرهنگ وعادات مشترک و زبان های مشترک ترکیب شده و تاریخ آنها از دوران باستان تاکنون مشترک بوده است .وحدت پرولتاریا و نیروهای ستم ستیز مترقی و طبقاتی این کشور ها یکی از ضروریات پیروزی استراتژیکی طبقه کارگر در برابر بورژوازی و نیروهای امپریالیستی است

چهارم

انقلاب ایران در دوران تاریخی نوینی امروز دارد پیش می رود که انحصارات مالی در کلیه زمینه ها در اقتصاد جهانی نقش مسلط را بازی می کنند و جهان دیجیتالی و سایبری ابزار نوینی در دست سرمایه داری جهان گراست که در پی سود بیشتر و تمرکز سرمایه بیشتر جهان را به پرتگاه سقوط کامل و بربریت سوق می دهد. زمانی کارگران انگلیس، زمانی دیگر پرولتاریای روسیه عقب مانده، زمانی پرولتاریای چین وظیفه انقلاب جهانی را بر دوش می کشیدند و به سهم خود با محدودیت های زمانه این حرکت تاریخی تغییر جهان را به پیش راند ند امروز وظیفه به عهده ی پرولتاریای کمربند طولانی دریای جنوب چین تا مدیترانه است که ایران در مرکز استراتژیکی آن قرار دارد.

پنجم

کمونیست های ایران با توجه به نکات بالا و جمع بندی های ارائه شده از طرف کارگران آگاه متشکل و منفرد در داخل از جمله شاخر زمانی و شعار نان، کار آزادی و اداره شورایی بخشی از کارگران ایران که در اعتراضات اخیر شرکت نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز برجسته گردید، باتوجه به حرکت روز افزون جنبش های توده ای و به روز

شدن سریع تحولات سیاسی منطقه باید : حزب کمونیست

کمونیسم علمی را بعنوان تئوری راهنما، انقلاب سوسیالیستی را بعنوان برنامه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مرحله ای برای رسیدن به کمونیسم، در یک تشکیلات یکی شده ی کمونیستی و در پیوند با جنبش کارگری کنونی بعنوان نکات اساسی مشترک بپذیرند و در هر قدم در عمل با تلفیق کمونیسم علمی با شرایط مشخص به بغرنجی های مبارزه طبقاتی و تعیین شعارهای مشخص و مبارزه میان دو خط مشی در درون حزب و جنبش چپ وکمو نیستی پاسخ گویند.

شورا ها وتشکلات مستقل، متحد و سراسری کارگری کمونیست ها باید با تمام نیرو از جنبش کنونی کارگری، از تشکل های مستقل کارگری که هرروز در مبارزه ی حادی برای زنده ماندن و تلاش برای گسترش قرار دارند همه جانبه دفاع نمایند. بسط وگسترش و وحدت جنبش کارگری در پیوند با دیگر جنبش های ستم ستیز طبقاتی کلید پیشرفت در امر انقلاب کنونی است . بدون موفقیت در این امر نه حزب کمونیستی با پایه های محکم در میان طبقه کارگر می شود ساخت و نه می توان مشی سیاسی سوسیالیستی را به برنامه ی پذیرفته شده توسط اکثریت توده های زحمتکش و ستمدیده مردم تبدیل کرد.

اتحاد بزرگ عظیم ترین نیروهای مردمی

کمو نیسم علمی است رهایی بخش ودر خدمت نجات کل بشریت قرار دارد. پیروزی طبقه کارگر بر بورژوازی واعمال دیکتاتور پرولتاریایی در دوران گذار به کمونیسم خود گامی است در جهت خلق جامعه ی بی طبقه، محو تدریجی قدرت سیاسی طبقاتی، و تحقق شعار همه در خدمت یک نفر و یک نفر در خدمت همه . از این منظر کمونیست ها برای اینکه انقلاب را به پیروزی رسانند باید دارای برنامه ای بر اساس خواست اکثریت عظیم مردم یعنی کارگران، محرومان و برابری طلبان باشند. پرولتاریا بدون پشتیبانی عظیم توده ای به تنهایی نمی تواند پیروز شود. بنابراین از هم اکنون باید دارای یک بدیل سیاسی سوسیالیستی طبق شرایط جامعه ایران باشد که بتواند اکثریت عظیم مردم را به گرد برنامه حزب کمونیست ودر اتحاد با طبقه کارگر منسجم و یکپارچه کند. اتحاد بزرگ عدالت خواهان و برابری طلبان برای رفع بردگی مزدی رمز پیروزی بر انواع نیروهای سیاسی بورژوازی وابسته به امپریالیسم است که خیال جایگزینی پس از سرنوشتی جمهوری اسلامی را در سر می پروراند.

ششم

پرولتاریا در پراتیک طولانی مبارزه طبقاتی خود توانسته سبک کار نوینی را بوجود آورد که کاملن متفاوت از سبک کار طبقات دیگر جامعه می باشد. چنانچه نیک به پراتیک کمونیسم در گذشته بنگریم شکست و پیروزی های آن در رابطه با سبک کار درست و نادرست هم بوده است که در جنبش صد ساله ی کمونیستی ما بی شک نقش مهمی داشته است و درست بدین خاطر باید

جزوی از نکات مورد توافق ما قرار گیرد. در زیر به اساسی ترین آنها اشاره می کنیم :

۱ از توده ها به توده ها

توده ها سازندگان تاریخند، بدون توده ها هیچ انقلابی نمی تواند صورت گیرد، هیچ حزب سیاسی واقعی انقلابی نمی تواند بو جود آید و اتحاد بزرگ بعنوان بدیلی برای کسب قدرت سیاسی قوام نخواهد یافت.

۲ مرکزیت دمکراتیک

بعنوان شیوه ی اساسی اجرای وظایف و حل مناسبات تشکیلاتی. بدون دمکراسی وسیع ومنظم طبق نظم معین شده وآیین نامه های تصویب شده توسط خود شرکت کنندگان، مرکزیت صحیح و معتبر بوجود نخواهد آمد. عقاید صحیح و تلفیق تئوری با شرایط مشخص یک جامعه در پراتیک بدست می آید و درستی نظرات حزب تنها با سنجش عقاید توده به آزمایش گذارده می شود. نظراتی که در عمل با منافع توده ها تطابق ندارد هیچگاه به رشد حزب و اتحاد بزرگ توده ها منجر نمی شود. مرکزیتی که براساس دمکراسی نباشد به بوروکراتیک تبدیل شده و با منافع کارگران وتوده ها در تضاد می افتد

۳ انتقاد و انتقاد از خود

زندگی و مبارزه در جامعه طبقاتی نشان میدهد هر کس عمل می کند هر چقدر هم مسلط به علم باشد وتجربه داشته باشد، دچار اشتباه هم می شود. علاوه براینکه مبارزه ی طبقاتی در جامعه تاثیرات خود را روی کادرها واعضای حزب هم می گذارد. بدین دلیل برای اینکه بتوانیم دارای یک تشکیلات کمونیستی با کیفیت با لایی باشیم ضروریست دا یمن به نوسازی از طریق مطالعه وبررسی، از طریق دامن زدن به مباحثات درونی و انتقاد از نظرات نادرست بپردازیم

رفقای عزیز در آخر باید چند پرسش را برای تبادل نظر بیشتر با شما در میان بگذاریم و ضمن تاکید کنیم که ما خواهان بازکردن دیالوگ با شما هستیم و مایلیم پیش روی به جلو را در خدمت هدف مشترک، هر چه زودتر همراه باشیم.

پرسش اول

در باره دیکتاتوری پرولتاریاست که مایلیم نظرات رفقا را بدانیم

پرسش دوم

منظور شما از آگاهی دادن به طبقه کارگر چیست و یا چگونه طبقه کارگر آگاه میشود تا بتواند حزب انقلابی خود را ایجاد کند ؟

پرسش سوم

آیا مشخص تر در باره چگونگی ایجاد حزب و قدم های عملی که باید برداشته شود طرحی موجود دارید ؟

جمعی از فعالان کمونیست

دیماه ۱۳۹۷



باز نشانی جهانی - قطع شده. «دولت پنهان»

توسط پیتر کوئینگ



تصور کنید، شما در دنیائی زندگی می کنید که به شما گفته می شود دموکراسی است - و حتی ممکن است آن را باور کنید - اما در حقیقت زندگی و سرنوشت شما در دست مشتى اولیگارشی فوق العاده غنی، فوق العاده قدرتمند و فوق العاده غیر انسانی و وحشی است. ممکن است آنها را دولت پنهان یا بطور ساده جانور بنامند یا هر چیز دیگری مبهم یا غیر قابل ردیابی - مهم نیست. آنها کمتر از یک ده هزار م در صد هستند. برای فقدان بیان بهتر، بگذارید آنها را «افراد مبهم» بنامیم.

این افراد جانور و مبهم که تظاهر می کنند جهان ما را اداره می کنند هرگز انتخاب نشده اند. نیازی نیست که آنها را نام گذاری کنیم. شما خواهید فهمید که آنها چه کسانی هستند و برخی از آنها کاملاً نامرئی هستند. آنها ساختار ها یا ارگانیسم هایی را ایجاد کرده اند که هیچ فرم قانونی ندارند. آنها کاملاً قوانین بین المللی را تخطئه می کنند. آنها پیشگام برای جهانی کاملاً متوحش هستند. شاید چندین جانور رقیب وجود داشته باشد. آنها اما هر چه هستند یک هدف مشابه دارند: کنترل یک نظم نوین جهانی یا نظم جهانی موجود.

به عنوان مثال، این افراد مبهم که در حال اداره این جهان هستند، مثلاً **مجمع (فوروم) جهانی اقتصاد** (نماینده کردن صنعت عظیم، نمایندگی مالی عظیم و نمایندگی شهرت عظیم)، گروه ۷ - جی ۷، گروه ۲۰ - جی ۲۰ (رهبران اقتصادی قوی ترین کشور ها).

هم چنین نهاد های کمتری به نام های جامعه بیلدربرگ، شورای روابط خارجی (۱)، چتام هاوس (۲) و غیره وجود دارد. اعضای همه آنها با هم اشتراک دارند. حتی این ترکیب مقدماتی گسترش یافته کمتر از یک هزار م درصد را نمایندگی می کند. همه آنها خود را مسلط بر دولتهای منتخب مشروط ملی مستقل، و بر بدنه جهانی چند ملیتی، سازمان ملل، سازمان ملل متحد قرار داده اند.

در حقیقت، آنها با سازمان ملل متحد به منظور انجام مناقصه خود هم کاری می کنند. مدیر کل سازمان ملل متحد، و هم چنین دبیر خانه های سازمان های مختلف زیر مجموعه سازمان ملل، با توجه به مشخصات سیاسی و روان شناختی نامزدها، عمدتاً توسط ایالات متحده انتخاب می شوند و متحدین تابع، رضایت بخش اروپایی خود را نشان می دهند. اگر عمل کرد وی به عنوان رئیس سازمان ملل یا رئیس یکی از سازمانهای ملل متحد مورد توافق آمریکا قرار نگیرد، روزهای فعالیت او در آن سمت رو به پایان خواهد رفت. اتحادیه اروپا، سازمان های برتون وودز، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و همچنین سازمان تجارت جهان که توسط این جانورها به همکاری پذیرفته یا ایجاد شده اند -

همچنین در کنار دادگاه بین المللی کیفری در لاهه. این سازمان چنگالی ندارد. فقط برای اطمینان از اینکه قانون همیشه در کنار بی قانونی باشد.



علاوه بر مؤسسات مهم مالی بین المللی، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، به اصطلاح بانک های توسعه منطقه ای و مؤسسات مالی مشابه ای وجود دارند که کشورهای منطقه مربوطه را تحت نظر دارند. سرانجام اقتصاد مالی یا اقتصاد بدهکار همه چیز را کنترل می کند. راهزنی نتولیرال غربی سیستمی را ایجاد کرده است که نافرمانی سیاسی را می توان با تحریم سخت اقتصادی یا سرقت کامل دارایی های ملی در سرزمین های بین المللی مورد مجازات قرار داد. مخرج متداول سیستم دلار آمریکا هنوز برتری خود را حفظ می کند.

«افراد غیر منتخب»

برتری این افراد مبهم غیر منتخب، بیشتر در معرض دید مردم افشا می گردند. ما مردم این را «عادی» می دانیم و آنها بی قید و شرط نه آنچه ما باید بدانیم - وجود یک دولت با افتخار و یا دولت منتخب با حاکمیت مردمی. در نظر آنان، مردم بطور کلی گله ای از گوسفندان مطیع شده اند. این جانوران به تدریج و بی سرو صدا همه چیز را تصاحب کرده اند. ما متوجه نشده ایم. این تاکتیک سوسیس (سولامی) فک زده است. شما برش های کوچک را می برید وقتی سوسیس به انتها می رسد و از بین می رود، می فهمید که هیچ چیز دیگری باقی نمانده است، که آزادی شما، حقوق مدنی و انسانی شما از بین رفته است. در آن زمان دیگر خیلی دیر شده است چون کار از کار گذشته است. مورد قابل توجه اینجا، قانون میهن پرستانه ایالات متحده یا پاتریات (۳) است. این قانون مدتها قبل از فاجعه ۱۱ سپتامبر اتخاذ شده بود. هنگامیکه فاجعه ۱۱ سپتامبر اتفاق افتاد، قانون پاتریات با سرعت از طریق کنگره آمریکا تصویب شد - برای حمایت از آینده مردم - مردم از ترس خواستار آن قانون شدند و یک نوع نتیجه ناگهانی، قانون پاتریات ۹۰ درصد از آزادی شهروندی ایالات متحده را در اختیار خود گرفت و تا زمان نامعلومی به نفع نخبگان قدرت.

ما در واقع برده بی چون و چرای این جانوران شدیم. این جانوران بی قید و شرط اقتصاد مردم آمریکا را یا رونق و یا سقوط در نظر می گیرند، بدهی های چه کسی باید حل و فسخ شود و چه کسی باید این بدهی ها را بپردازد، چه موقع و در کجا باید این ویروس پاندمیک شیوع پیدا کند، و به شرط زنده ماندن از بیماری پاندمیک، به عنوان مثال، چگونگی حبس اجتماعی. و در صدر تمام اینها، ادواتی که این جانوران استفاده می کنند، بسیار هوشمندانه، یک دشمن نامرئی ریز ریز به نام ویروس و یک هیولا بسیار بزرگ، اما نامرئی به نام ترس و وحشت هستند. این شرایط باعث می شود تا ما از خیابانها خارج شویم، از همبستگی با دوستان دوری کنیم، و از سرگرمی های اجتماعی مثل تئاتر، ورزش یا پیک نیک در پارکها که باید لذت ببریم دور باشیم.

به زودی این جانوران تصمیم خواهند گرفت که چه کسی زنده بماند و چه کسی خواهد مرد، به معنی واقعی کلمه - اگر ما اجازه دهیم. این ممکن است خیلی دور نباشد. موج دیگری از این ویروس پاندمیک ممکن است مثلاً واکسن گریه و شیون به را بيفتد و درست در این زمان ثروت باد آورده ای را برای بیگ فارما (شرکتهای عظیم داروسازی) بوجود می آورد - و آشکارا به سمت اهداف متخصصان بومی بطور واضح در جهان در حرکت قرار خواهد گرفت - هنوز زمان به اندازه کافی وجود دارد که مردم دست به مخالفت و شورش بزنند، یعنی به صورت جمعی و یا با همبستگی همگانی.

آخرین مورد بی حرمتی ناخوشایند را ملاحظه کنید. به راحتی، پس از گذشت موج اول کوید - ۱۹، حد اقل در نیم کره شمالی، جائیکه تصمیمات مهم جهانی در آن اتخاذ می شود، در اوایل ژوئن ۲۰۲۰، رئیس انتخاب نشده **مجمع جهانی اقتصاد** (۴)، کلاوس شواب، «باز نشانی عظیم» (۵) را اعلام کرد. با استفاده از فرصت فروپاشی اقتصادی - شوک بحران مانند «دکتر پین شوک» - آقای شواب، یکی از جانوران پیش گام، علناً آنچه را که **مجمع جهانی اقتصاد** در مورد بحث و تصمیم گیری در مورد آینده جهان در نشست مجمع داووس بعدی، خود در ژانویه ۲۰۲۱ اعلام خواهد کرد، اعلام می کند. برای اطلاع بیشتر به این موضوع مراجعه کنید.

آیا، ما مردم، دستور کار **مجمع جهانی اقتصاد** انتخاب نشده را می پذیریم؟

تکر و گستاخی ستیزمند آمریکا در یک بیماری همه گیر (پاندمیک) جهانی فاجعه آمیز (۶)

این فرصت به طور متمرکز بر حفاظت از آنچه از کره زمین باقی مانده است، متمرکز خواهد شد، بدیهی است که در این نقطه مرکزی "گرمایش جهانی" مبتنی بر دی اکسید کربن ساخته شده توسط انسان است. ابزار محافظت از طبیعت و بشریت، برنامه سازمان ملل متحد ۲۰۳۰ خواهد بود - که برابر است با **اهداف توسعه پایدار** (۷) سازمان ملل. این برنامه به نحوه بازسازی اقتصاد جهانی نابود شده و با احترام به اصول "سبز" ۱۷ اهداف توسعه پایدار متمرکز خواهد شد.



توجه داشته باشید که همه اینها به هم مرتبط هستند. هیچ رویدادی هم وجود ندارد. دستورالعمل ننگین ۲۰۲۱ که مصادف می شود با تعارفات معمولی برنامه به اصطلاح ۲۰۳۰ سازمان ملل، با اعلامیه رسمی مجمع جهانی اقتصاد از **باز نشانی عظیم**، در ژانویه سال ۲۰۲۱ افتتاح می شود. به همین ترتیب، اجرای دستور کار **باز نشانی عظیم** آغاز شد. به همین ترتیب، اجرای دستور **باز نشانی عظیم** در ژانویه سال ۲۰۲۰، با اشاعه همه گیر (پاندمیک) کرونا - برای چندین دهه برنامه ریزی شده بود که آخرین رویدادهای قابل مشاهده، گزارش سال ۲۰۱۰ راکفلر با «سناریوی قدم های شمرده پشت سر هم» و رویداد ۲۰۱، از اکتبر ۱۸ در نیویورک بود که یک کامپیوتر، پاندمیک (همه گیر) کرونا را شبیه



سازی کرده بود، که در طی ۱۸ ماه ۶۵ میلیون کشته و یک اقتصاد ویران شده، درست چند هفته قبل از آغاز پاندمیک فعلی برنامه ریزی شده بود. به کوید - ۱۹، که ما اکنون در قلب «سناریوی قدم های شمرده پشت سرهم» زندگی می کنیم، مراجعه کنید.

طغیان های نژادی

طغیان های نژادی که توسط جنبش زندگی سیاه مهم است (۸) (با تأمین بودجه توسط بنیاد فورد، بنیاد جامع باز سو روس ۹-۰) آغاز شد، متعاقب ترور وحشیانه جورج فلوید سیاه پوست آمریکائی توسط یک باند پلیس مینیاپولیس آغاز شد مانند یک آتش سوزی فراگیر با سرعت به بیش از ۱۶۰ شهر، ابتدا در آمریکا و سپس به اروپا سرایت کرد - نه تنها به برنامه نخبگان جانوری در قدرت متصل هستند، بلکه آنها انحراف مناسب از فاجعه انسانی است که توسط کوید - ۱۹ بجا مانده است. هم چنین در اینجا توجه کنید.



برنامه شبنم نخبگان جانور در قدرت برای اجرای آنچه که واقعاً در پشت برنامه سازمان ملل متحد ۲۰۳۰ وجود دارد، در سال ۲۰۲۰ (۱۰) کم شنیده شده است. خطر واقعی برنامه (۱۱) است. این برنامه توسط گورو واکسیناسیون بیل گیتس ایجاد و تأمین شده است، و همبستور، (اتحاد جهانی واکسینا و واکسیناسیون ها) (۱۲)، مشارکت بیگ فارما، در گیر در ایجاد واکسن وایروس کرونا همراه با تأمین بودجه توسط بیل و ملیندا گیتس و هم چنین با بخش عمده ای از بودجه سازمان جهانی بهداشت انجام میگیرد.

باز نشانی عظیم، همانطور که توسط کلاوس شواب از مجمع جهانی اقتصاد اعلام شده است، قرار است توسط برنامه هویت دیجیتال سال ۲۰۲۰ انجام شود. این بیش از آن است که چشم قادر به دیدن آن باشد. برنامه هویت دیجیتال سال ۲۰۲۰ حتی تحکیم شده در بستر دانش توسعه پایدار (۱۳)، هم چنانکه بستر دانش توسعه پایدار ۱۶.۹ «تا سال ۲۰۳۰ هویت قانونی [دیجیتال] را برای همه، از جمله ثبت نام رایگان تولد را ارائه می دهد». این کاملاً با هدف کلی بستر دانش توسعه پایدار ۱۶ متناسب است. به منظور حفظ سیستم سرمایه داری، «ترویج جوامع مسالمت آمیز و فراگیر برای توسعه پایدار، دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد نهادهای مؤثر، پاسخگو و فراگیر درهمه سطوح.» این است برنامه نخبگان جانور در قدرت.

با پیگیری رسمی دستور کار سازمان ملل در ۲۰۳۰ برای دستیابی به بستر دانش توسعه های پایدار، برنامه پیاده سازی هویت دیجیتال ۲۰۲۰ - که هم اکنون روی کودکان مدرسه ای در بنگلادش آزمایش می شود - شنا سه های دیجیتال شده را به شکل نانو چپ های کاشته شده به همراه واکسیناسیون اجباری ارائه دهد را ممکن می سازد. و دیجیتال شده پول و از حافظه دور کردن ۵ جی - که برای بار گذاری و نظارت داده های شخصی

روی نانو چپ ها و کنترل جمعیت مورد نیاز خواهد بود. موضوع مورد بحث هویت دیجیتال ۲۰۲۰ به احتمال زیاد «برنامه» را نیز شامل می شود - از طریق واکسیناسیون - که کاهش چشمگیر جمعیت جهان در آن در نظر گرفته شده است.

یونیکس (۱۴) یک مؤلفه مهم در کنترل جمعیت آینده جهان است. هم چنین مراجعه کنید به راهنما های جورجیا، که بطور مرموز در سال ۱۹۸۰ ساخته شده است.

نخبگان جانور حاکم از حبس مردم در منازلشان برای اجرای این دستور کار استفاده کردند. اجرای چنین امری توسط این نخبگان بطور طبیعی با اعتراضات گسترده ای روبرو خواهد شد، همانطور که اعتراضات و تظاهرات های زندگی سیاه مهم است سازماندهی و تأمین مالی شد. این اعتراضات ممکن است مسالمت آمیز نباشد و ممکن است به عنوان اعتراضات مسالمت آمیز برنامه ریزی نشده باشد. از آنجا که برای کنترل جمعیت در ایالات متحده و اروپا، جاییکه انتظار میرود بیشتر ناآرامی های اجتماعی باشد، نیروهای انتظامی برای سرکوب مردم را سازماندهی می کنند. این شرایط نظامی گری برای سرکوب در حال آماده سازی است. (هرچا ظلم و ستم است مبارزه است، اما باید دید چه جریانی این مبارزات بحق توده ای را رهبری میکند - مترجم)

جان استپلینگ (۱۵) در مقاله خود تحت عنوان «کشت و زرع عظیم» که در نیویورک تایمز به چاپ رسیده است می گوید: «از سال ۲۰۰۶ به این طرف حد اقل ۹۳۳۶ مسلسل، ۱۸۰۷۱۸ کارتریج فشنگ، صد ها صدافخه کن و تعداد نامعلومی نارنجک به اداره پلیس ایالتی و محلی در ایالات متحده آمریکا ارائه شده است. این به علاوه حد اقل ۵۳۳ هواپیما و هلیکوپتر، و ۴۳۵ وسیله نقلیه رزمی که برای مقاومت در برابر اثرات انفجار یا مسلح در کمین نشسته طراحی شده به بلندی ۹ فیت، ۳۰ تن مین های مقاوم و بیش از ۴۴۹۰۰ قطعه تجهیزات دید در شب که بطور منظم در حملات عراق و افغانستان در شب استفاده شده است.»

وی می افزاید: این نظامی سازی بخشی از روند گسترده تری است. از اواخر دهه ۱۹۹۰، حدود ۸۹ درصد از ادارات پلیس در ایالات متحده برای کنترل هر ۵۰ هزار نفر از مردم مسلح به واحد شبهه نظامی پلیس هستند که نسبت به اواسط دهه ۱۹۸۰ دو برابر شده است. وی این جامعه آمریکای پلیس نظامی شده را گشتاپوی جدید نام می برد.

حتی قبل از این وایروس، حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد شهروندان آمریکائی زیر خط فقر زندگی میکردند. نابودی اقتصادی پس از کووید - ۱۹ و حبس مردم در منزل، فقر و فاقه را در این کشور به حد اقل دو برابر رسانیده - و متناسباً بروز اغتشاش و طغیان توده ای و درگیری با مقامات حاکم را گسترش خواهد داد - این خود استدلالی است برای افزایش نیروهای پلیس نظامی برای سرکوب هر چه بیشتر.

واحد پول چین، رین من بی کرپتو (۱۶) با یک عقیده سیاسی، خصوصاً وفادار به کمونیسم

مطمئناً هیچ کدام از این سنا ریو ها در ژانویه ۲۰۲۱ توسط مجمع جهانی اقتصادی در معرض شناخت مردم قرار نخواهد گرفت. اینها تصمیماتی هستند که بازیگران اصلی به نمایندگی از جانب نخبگان جانور در قدرت در پشت درهای بسته گرفته اند. معجزه، این طرح پر آب و

تاب باز نشانی عظیم نیازی به اتفاق افتادن ندارد. حد اقل نیمی از جهان و برخی از قدرتمند ترین کشورها، از نظر اقتصادی و نظامی - مانند چین و روسیه - با آن مخالفت شدید دارند. "باز نشانی" یا "تنظیم مجدد" شاید بله، اما در این اصطلاحات غربی. در واقع، تنظیم مجدد از این نوع هم اکنون در چین تقریباً گسترش یافته، به طوریکه یک بانک جدید چین با حمایت یوان (۱۷) و غیره در حال پیاده کردن این سیستم جدید هستند. این تنها یک ارز معمولی مبتنی بر یک اقتصاد قوی و استوار نیست، بلکه با طلا پشتیبانی می شود. در حالیکه پرزیدنت ترامپ برای تجارت ناعادلانه، بخاطر مدیریت نادرست و بیمار گونه که نتوانست با پاندمیک کووید مبارزه قاطع کند، به منظور سرعت حقوق مالکیت آمریکا - برهم زدن چین بی پایان می شود - چین را وابسته به ایالات متحده میدانند و آمریکا روابط تجاری با چین را قطع خواهد کرد - یا روابط را کاملاً قطع می کند و به خیال خود چین هم تطمیع خواهد شد. چین بی سر و صدا در حال تغییر جهت به سمت کشورهای انجمن ملل جنوب شرقی آسیا بعلاوه ژاپن (بله! ژاپن!) و کره جنوبی است، جایی که تجارت امروز حدود ۱۵٪ از کل تجارت چین را شامل می شود و انتظار می رود طی ۵ سال آینده دو برابر شود.

علیرغم حبس شهروندان در منازل و اخلاص در تجارت و کسب و کار، کل صادرات چین با رشد ۳.۲ درصدی در ماه آوریل (نسبت به آوریل ۲۰۱۹) بهبود یافت. این عملکرد کلی در صادرات چین با کاهش چشمگیر تجارت ایالات متحده و چین همراه بود. صادرات چین به ایالات متحده در ماه آوریل ۷.۹ درصد (نسبت به آوریل ۲۰۱۹) کاهش یافته است.

واضح است بخش عمده ای از صنایع آمریکا بدون زنجیره های تأمین تولیدات چینی نمی توانند زنده بمانند. وابستگی غربی به تجهیزات پزشکی چینی بسیار قوی است. چه رسد به وابستگی چینی توسط مصرف کنندگان آمریکائی. در سال ۲۰۱۹، کل مصرف ایالات متحده حدود ۷۰٪ تولید ناخالص داخلی، بالغ بر ۱۳.۳ تریلیون دلار بود که از این مبلغ مقدار قابل ملاحظه ای مستقیماً از چین وارد می شود یا به اجزائی از چین وابسته است.



صاحب نظران مجمع جهانی اقتصاد با یک معضل واقعی روبرو هستند. برنامه آنها بسیار وابسته به برتری دلار است که هم چنان با مجازات تحریم ها و مصادره دارایی های کشورهایی که مخالف حکومت آمریکا هستند ادامه می دهد؛ همانطور که در بالا توضیح داده شد، هژمونی دلار امکان مؤلفه های طرح بزرگ تنظیم مجدد را باید بتواند فراهم بیاورد.

در حال حاضر، دلار پول بی ارزشی است، نوعی بدهی است که از باد هوا تولید می شود. هیچ پشتوانه ای برای انجام هر کاری ندارد. بنابراین، ارزش آن به عنوان یک ارز ذخیره به طور فزاینده در حال فروپاشی است، به ویژه در مقابل رمز پایه ای (کرپتو) جدید یوان از



گزارش دوم



کنسرن Airbus بزرگترین کنسرن هواپیما سازی جهان است. تا دو سال پیش boeing پیشتاز در این زمینه بود ولی از دو سال پیش Airbus پیشتاز است. این کنسرن عظیم همانند همپالگی‌های خود در تلاش است که بار بحران اقتصادی خود را بر دوش کارگران منتقل کند. ولی کارگران این توطئه‌ها را خوب میشناسند. در روز ۸ سپتامبر ۲۰۲۰ در محوطه جلوی کارخانه Airbus در هامبورگ صدها کارگر که بخشی از آن‌ها در تصویر پیداست، میتینگ سالانه خود را برگزار کردند. در این میتینگ علاوه بر IGM (سندیکای کارگران صنعتی) گروه‌هایی از جمله ICOR و MLPD نیز حضور داشتند. IGM بر مبنای خصلت سازشکارانه‌اش کارگران را به دو دسته تقسیم کرده بود. دسته‌ای ماشین سوار که از در کارخانه در میآمدند و آرام آرام حرکت میکردند. این کار حدود ۲۵ دقیقه طول کشید. حدود ۵۰۰ اتومبیل از میان جمعیت گذشت بدون کوچکترین تأثیر مثبتی در ادامه مبارزه. کارگران خسته شده بودند و چیز نو و پیشرفته‌ای را طلب میکردند. نمایندگان IGM با بیانات اکونومیستی و سازشکارانه خود نتوانستند انرژی انباشت شده در کارگران را آزاد کنند. پس از صحبت آن‌ها، وقت تمام شد و کارگران ناراضی‌تر از گذشته به کار خود بازگشتند.

ترانسپارنت سفید در تصویر از MLPD و پرچم‌های کوچک از IGM است. با دروهای فراوان

نقش منصور حکمت.... بقیه از صفحه آخر

”آنجایی که حرکات شما را گزارش می‌دهند و باید در رسانه‌ها از آن حرف بزنند. شما باید بروید در قلب جامعه آنجایی که بستر اصلی سیاست دارد حل و فصل می‌شود.“

در جامعه در حال تحول انقلابی حوادث بی شماری روی می‌دهد، درگیری‌های طبقاتی در خیابانها و کارخانه‌ها برنامه روزانه است. در این دوران، بستر اصلی حل و فصل سیاست، خیابان است ولی در زمانی که این امواج هنوز وجود ندارند و رگه‌های مبارزه به هم پیوسته نیستند، بستر اصلی حل و فصل سیاست درون رژیم جمهوری اسلامی است... البته منظور حکمت رفتن درون رژیم جمهوری اسلامی نیست بلکه ”به جای این که مثل ”چپ‌های افراطی“ [منظورش سازمان‌های رادیکال کمونیستی است]... توی سر و کله هم بزنیم در پارک! او به من بگوید تو همان تروتسکی یهودا هستی من به

16 - China's Crypto RMB (Ren Min Bi), a person having a secret allegiance to a political creed, especially communism.
17 - blockchain-based cryptocurrency, the crypto RMB, or yua1
18 - monetary Ponzi-scheme
نوعی کلاه برداری که در آن اعتقاد به موفقیت یک بنگاه اقتصادی وجود ندارد با پرداخت بازده سریع به سرمایه گذاران اول از طریق پول سرمایه گذاری شده توسط سرمایه گذاران بعدی تقویت می شود.

گزارش دو آکسیون

رفقای عزیز!



در تاریخ 17.6.2020 در هامبورگ آلمان اکسیونی جهت دفاع از زندانیان سیاسی و خواست آزادی همه آنها برگزار شد. در این آکسیون سازمان‌های مختلفی از قبیل YENDI KADIN, ICOR, MLPD, ATIF, YDG شرکت کرده بودند که از طرف بعضی سازمان‌های دیگر پشتیبانی شدند. به علت شرایط کرونا و تحمیل شده از جانب دولت، این آکسیون نمی‌توانست خیلی گسترده باشد ولی از پشتیبانی گسترده‌ای برخوردار بود.

در این آکسیون بعد از توضیح شرایط جهانی بعد از پیدا شدن کرونا، توطئه‌های امپریالیسم علیه سازماندهی نیروهای مترقی، تشدید گرایش به راست و فاشیسم در دولت‌ها و گسترش مبارزات مردم و گرایش آن به چپ، خواستار آزادی فوری تمام زندانیان سیاسی شد.

درخواست ویژه این سازمانها این بود که محاکمه ده کمونیست ترک که در مونیخ در حال اجراست قطع شود و زندانیان بدون قید و شرط آزاد گردند. پلیس آلمان همانند پلیس آمریکا و دیگر کشورها، در سرکوب مبارزین کوچکترین تزلزل از خود نشان نمی‌دهد. در تظاهرات ۲۰ هزار نفره که به مناسبت پشتیبانی از مبارزات ضد نژاد پرستی در آمریکا، در هامبورگ برگزار شد، پلیس به تظاهرات حمله کرد و ۳۵ پناهنده را بازداشت نمود. آن‌ها را ساعت‌ها در بازداشت نگهداشت و برای تفتیش، لخت مادرزاد نمود. بعضی از این بازداشت شدگان نوجوان بودند و نمی‌توانستند حتی این مسأله را برای اعضای خانواده‌شان تعریف کنند. امروزه تظاهرات علیه اجحافات و مظالم سرمایه‌داری در حال گسترش و تعمیق است. در روز 20.6.2020 مجسمه نلین در شهر Gelsenkirchen و رو به روی دفتر مرکزی MLPD نصب می‌شود. فاشیست‌ها و جریانات راست نیز در این شهر خیلی قوی هستند و خیلی تلاش کردند مانع این کار شوند ولی حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست آلمان توانست با مبارزه این امر را تحقق بخشد.

چین. برای رقابت با یوان چینی، دولت ایالات متحده باید با جدائی خود از قانون ذخیره فدرال در سال ۱۹۱۳ از طرح پونزی پولی (۱۸) خود دور شود و پول خود را با اقتصاد - و احتمالاً با پشتوانه طلا (چاپی) و با حمایت اقتصادی چاپ کند - نه پول بی ارزش فدرال که مثل امروز متداول است. این به معنی قطع کامل روابط ۱۰۰ ساله با خاندان روسچایل و کمپانی آنها که صاحب فدرال ریزو هستند و ایجاد بانک واقعی مرکزی مردم. انجام این کار غیر ممکن نیست، اما بسیار غیرممکن به نظر می‌رسد. در اینجا، ممکن است دو نخبگان در حاکمیت با هم برخورد کنند، زیرا قدرت جهانی آنها در خطر است.

در همین حال، چین با فلسفه آفرینش بی پایان خود با برنامه اقتصادی دقیق و محاسبه شده و مأموریت اش در قرن بیست و یکم، ابتکار عمل یک کمربند یک جاده، با اتصال و پیوند جهان با زیر ساختهای حمل و نقل زمینی و دریائی، با تحقیقات مشترک و صنعتی، مبادلات فرهنگی به پیش می رود - و مهم تر از همه، تجارت چند ملیتی با ویژگی های «برد - برد»، برابری برای همه شرکاء - به سوی جهانی چند قطبی، به سمت جهانی با آینده مشترک برای بشریت در حرکت است.

امروز بیش از ۱۲۰ کشور در حال حاضر با ابتکار عمل یک کمربند یک جاده چین در ارتباط هستند - و این عرصه یا میدان برای عضویت همه باز است - و میرود تا با مخالفت، عیب یابی و با برداشتن مانع بزرگ بازایی عظیم غربی ماسک را از چهره این نخبگان جانور در قدرت بردارد.

پیتر کونینگ یک اقتصاددان و تحلیلگر ژئوپلیتیک است. او همچنین متخصص منابع آب و محیط زیست است. وی بیش از ۳۰ سال با بانک جهانی و سازمان بهداشت جهانی در سراسر جهان در زمینه های محیط زیست و آب همکاری داشته. او در دانشگاه های آمریکا، اروپا و آمریکای جنوبی سخنرانی می کند..

- 1 - Council on Foreign Relations (CFR)
 - 2 - Chatham House
 - 3 - US Patriot Act
 - 4 - The World Economic Forum (WEF), Chairman, Klaus Schwab, announced "The Great Reset"
 - 5 - "Great Reset"
 - 6 - [American Hubris Robust in a Cataclysmic Global Pandemic](#)
 - 7 -- Sustainable Development Goals (SDG)
 - 8 - Black Lives Matter (BLM)
 - 9 - Ford Foundation and Soros' Open Society Foundation
 - 10 - [ID2020 | Digital Identity Alliance](#), See The Coronavirus COVID-19 Pandemic:
 - 11 - "Agenda ID2020"
 - 12 - GAVI (Global Alliance for Vaccines and Immunizations)
 - 13 - Sustainable Development Knowledge Platform (SDGs)
 - 14 - Eugenics:
- مطالعه چگونگی ترتیب تولید مثل در یک جمعیت انسانی برای افزایش بروز ویژگیهای ارثی که مطلوب تلقی می شود. عمدتاً توسط فرانسیس گالتون به عنوان روشی برای بهبود نسل بشر توسعه یافت، تنها پس از فریب آموزه های خود توسط نازی ها به ناامنی سقوط کرد.
- 15 - ["The Big Plantation"](#), John Stippling

انتخاب بین بد و بدتر تن دادن به وضعیت موجود است



او بگویم تو دوتاکتیک را نفهمیده‌ای! به جای این کار اگر من بروم عضو سوسیال دموکراسی بشوم اقلاً می‌روم در یک کمونی، در یک شورای محلی، در یک پارلمانی و منشأ اثر می‌شوم یا اقلاً جلوی راسیست‌ها را می‌گیرم. می‌روم اقلاً مدرسه می‌سازیم اقلاً می‌آیم نمی‌گذارم زیرآب پزشکی را بزنند... چنان که ملاحظه می‌شود، سمت و سوی حکمت دیگر طبقه کارگر و جنبش کمونیستی نیست بلکه جنبش سوسیال دموکراسی است، شرکت در شوراهای محلی و پارلمان است. او چگونه به دست گرفتن قدرت را ادامه می‌دهد: "می‌رود با سوسیال دموکراسی، می‌رود با گرین، می‌رود با احزابی که می‌تواند با آن برود در شوراهای یک جایی در یک جای شهرداری، در یک جای کمیته پزشکی می‌تواند منشأ اثر شود رأی او را بشمارند. اقلاً بگوید درست است که من دیگر کمونیست انقلابی نیستم... ولی اقلاً غایبند حزب سوسیال دموکراتم در فلانجا و تا حالا جلوی راسیست‌ها را در این محل خودمان گرفته‌ام."

به طوری که خواننده خود می‌بیند، هسته اساسی تفکر حکمت در آن تاریخ کمونیسم انقلابی نیست. او نسخه رفتن به جاهای شلوغ مثل کمیته‌ها، شوراهای شهرداری‌ها، احزاب سوسیال دموکراسی و پارلمان را برای رفقای می‌پیشنهاد. ولی برای دلگرمی کادراهانی که در همانجا موضع کمونیستی دارند و این کلاه بر سرشان تنگ است، یک معلق می‌زند و حقه بازی می‌کند. در حل این مسئله که موفقیت این فعالیت‌های مشعشعانه را چه چیزی تضمین می‌کند، می‌گوید: "بنظر من یک چیز تضمین می‌کند و آن ستون فقرات مارکسیستی حزب است." واقعا خنده‌دار است. وقتی که نرم‌های مارکسیستی کنار می‌روند، دیگر از ستون فقرات مارکسیستی نمی‌توانی صحبتی در میان باشد. الا برای فریب دیگران.

او در سخنرانی افتتاحیه کنگره دوم حزب، سعی می‌کند سمت فکری حاضرین در کنگره را از زمینه‌های فعالیت در بین طبقه کارگر و ضرورت کار طولانی و سخت ایدئولوژیک - سیاسی در این طبقه، به مبارزات عام پر سر و صدای خیابانی، مراکز دولتی و پارلمان بکشاند تا کنگره برای روگردانی او از طبقه کارگر و کمونیسم آماده گردد.

او در سخنرانی دوم‌اش می‌گوید می‌خواهد سخنان "کفرآلود" بگوید.

واژه‌های کفر و ارتداد، یک مفهوم را می‌رسانند: روگرداندن از یک آئین و یا از یک طبقه. در هر آئین و مکتبی، پایداران و مرتدانی پیدا می‌شوند که در جدال مرگ و زندگی علیه هم قرار می‌گیرند. در مارکسیسم نیز چنین بوده است. کافران و مرتدانی بودند مثل برنشتین که اصول اساسی مارکسیسم را نفی می‌کردند و یا مثل کائوتسکی که زیرکانه این اصول را زیرپا می‌گذاشتند. ولی همه آن‌ها ارتداد خود را می‌پوشاندند و سعی می‌کردند مردم را قانع کنند که کافر و مرتد نیستند بلکه تفسیرشان از این آئین و یا سیستم طور دیگریست. ولی در جنبش کمونیستی ایران کاریکاتورهائی یافت شدند که با صدای بلند ارتداد خود نسبت به کمونیسم را اعلام می‌کنند و راه نجات

خود را در این ارتداد می‌بینند. پیش از برخورد به سخنان منصور حکمت در این مورد، ضروریست مناسبات جنبش کمونیستی و طبقه کارگر و جنبش آن در سرنوشت سرمایه‌داری روشن گردد: انقلاب عبارت است از سرنوشتی یک طبقه ارتجاعی و دولت‌اش توسط طبقه انقلابی و حاکمیت این طبقه و دولت‌اش. در نتیجه، انقلاب طبقاتی است. در جامعه برده‌داری، برده‌ها به عنوان یک طبقه، وظیفه داشتند برده‌داران را سرنوشت کنند و فتودالیسم را برقرار نمایند. در فتودالیسم سرنوشتی طبقه فتودال را طبقه کارگر به رهبری بورژوازی به عهده داشت. در جامعه سرمایه‌داری وظیفه فروپاشی نظام سرمایه‌داری و برپائی دیکتاتوری پرولتاریا را، پرولتاریا به عهده دارد.

این‌ها، نرم‌ها و شیوه‌های کار کمونیستی را معین می‌سازند. با معیارهای فوق، در تاریخ حیات بورژوازی، نمی‌تواند انقلاب خرده بورژوازی، انقلاب بورژوازی مرفه، انقلاب حزب کمونیست و یا انقلاب حزب آنارشیست وجود داشته باشد. انقلاب طبقاتی است و کسی که می‌خواهد انقلاب سوسیالیستی بکند باید بتواند محکم بر دستاوردهای مارکسیسم بایستد و روی آن لم ندهد و با بسیج و متشکل کردن پیشرفته‌ترین عناصر پرولتاریا، کل طبقه و دیگر ستم دیدگان را علیه طبقه بورژوازی، بسیج، آگاه و متشکل نماید. به قول انگلس؛ بدون بسیج حتی لومین پرولتاریا، انقلابی در کار نیست. عدول از این واقعیات در مارکسیسم، کفر است. ارتداد است.

حکمت در سخنرانی دوم‌اش می‌گوید: "می‌خواهم با چند نکته شروع کنم که بیشتر شبیه به سؤالات کفرآلودی از خود ما است. کفرآلود به این معنی که ظاهراً جواب‌های تئوری تاکتونی، طرح خود این سؤالات را زیر سؤال می‌برد."^۲

او آگاهانه می‌گوید و اقرار می‌کند که مواضع مارکسیستی، خط بطلان بر مسائلی که مطرح می‌کند می‌کشد. او می‌خواهد نسبت به کمونیسم کفر بگوید. مرتد شود:

«... از ما خواهند پرسید چرا دارید راجع به «حزب» و قدرت سیاسی حرف می‌زنید؟ مطابق تئوری سوسیالیستی قرار بود راجع به «طبقه» و قدرت سیاسی حرف بزنید، شما کمونیست‌ها قرار نیست راجع به قدرت‌گیری حزب‌تان حرف بزنید. در نتیجه [از این منظر] بحث «حزب» و قدرت سیاسی»، خلاف تئوری سوسیالیستی است. به ما خواهند گفت به دلیل اینکه تئوری می‌گوید که طبقه کارگر قدرت را از بورژوازی می‌گیرد و خود را به عنوان طبقه حاکمه سازمان می‌دهد، معلوم نیست که حزب در اینجا چه موضوعیتی دارد و اصلاً چرا از «حزب» و قدرت سیاسی» حرف می‌زنید؟»

ولی به راستی چه شده؟ چه تغییری حادث گردیده است که منصور حکمت کسب قدرت سیاسی توسط حزب خودش را جای کسب قدرت سیاسی توسط طبقه نشانده است؟ اگر در جامعه سرمایه‌داری ایران دو طبقه اصلی، بورژوازی و پرولتاریا هستند و لذا سرنوشتی بورژوازی وظیفه تخطی ناپذیر پرولتاریا به رهبری حزب کمونیست - سرتاسری ایران است، چرا منصور حکمت

۲ - منصور حکمت - حزب و قدرت سیاسی - سخنرانی در کنگره دوم حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۵ آوریل ۱۹۹۸

این طبقه انقلابی (پرولتاریا) را از دایره انقلاب حذف می‌کند؟ چرا؟ زیرا او دیگر اعتمادی به طبقه کارگر ندارد. خسته شده است. فکر می‌کند کارگران دمدمی مزاج هستند و زود ول می‌کنند و می‌روند پی کارشان.

پیش از رسیدن به موضع حکمت که می‌گوید "کارگران از کار سیاسی کناره‌گیری می‌کنند"، شفاف انگیز خواهد بود که ما جواب اولیه او را در این که چرا حزب را جای طبقه گذاشته است، بشنویم:

"این «ممنوعیت» در رابطه با حزب و قدرت سیاسی فقط در مورد ماست. فقط ما کمونیست‌ها هستیم که وقتی از قدرت‌گیری سیاسی حرف می‌زنیم، به ما هشدار می‌دهند که سر جای خود بنشینید، شما مطابق تئوری خودتان قرار نیست به عنوان حزب به قدرت سیاسی نزدیک شوید، قرار است طبقه کارگر به قدرت سیاسی نزدیک شود. اگر پنج نفر ناسیونالیست جمع شوند و یک حزب جدید تشکیل بدهند، فوراً از گرفتن قدرت سیاسی حرف می‌زنند و هیچ کس هم به آنها ایرادی نمی‌گیرد، هیچکس! می‌گویند حزب ناسیونالیست جدید ایران تأسیس شده و آقای فلانی رئیس آن است و تصمیم خود را برای گرفتن قدرت سیاسی اعلام می‌کند، رئیس جمهور و نخست وزیر را هم معرفی می‌کنند و در روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون در این مورد هم مصاحبه می‌کنند، ولی اگر ما بگوئیم که حزب کمونیست کارگری می‌خواهد به طرف قدرت سیاسی گام بردارد، اولین کسی که یقه ما را می‌گیرد یکی از همین چپ‌های بغل دست ما از نوع وحدت کمونیستی است که می‌گوید: آقا چه شد؟ این طبقه است که قرار است قدرت را بگیرد، مگر پدیده شوروی را نمی‌بینید؟"

شورانگیز است! واقعا آموزنده است. چه استدلال قوی‌یی!!!

جناب حکمت خیلی خوب می‌داند که همه کمونیست‌های واقعی معتقد هستند که اتفاقاً احزاب کمونیست باید به سمت کسب قدرت حرکت کنند ولی اولاً نه به تنهایی بلکه با بسیج و متشکل کردن طبقه کارگر و در این سیر بالا بردن آگاهی و شعور طبقاتی - تئوریک - سیاسی آن و دوماً نه برای حزب بلکه برای طبقه کارگر و این طبقه نه توسط حزب بلکه توسط دولت متشکل از نمایندگان شوراهای خود (دیکتاتوری پرولتاریا) اعمال قدرت می‌کند. حزب در دوران سوسیالیسم نماینده ایدئولوژیک و راهنمای طبقه است که باید جامعه را به سوی کمونیسم رهبری کند. در نتیجه چپ‌ها از موضع کمونیستی به رویزیونیسم شما حمله می‌کنند. حق هم دارند.

حکمت در نقل قول بالا شکایت دارد که "اگر پنج نفر ناسیونالیست جمع شوند...."

از قرار معلوم جناب حکمت دولت به عنوان نماینده طبقه را با رژیم و یا کابینه عوضی گرفته است. اگر آن پنج نفر ناسیونالیست برای کسب قدرت تلاش می‌کنند، تلاش‌شان در نظام سرمایه‌داریست که قبلاً سرمایه‌داری دولت‌اش را تشکیل داده است. این پنج نفر می‌خواهند فلان آدم‌ها را از این دولت اخراج کنند و خودشان در



کل قدرت سیاسی طبقه بورژوازی و دیگر اقشار و طبقات ارتجاعی است. این انقلاب ماهیت از نوع انقلابات پرولتاریایی است و از لحاظ سیاسی در اردوی گرایش ضد فاشیستی جاری جهانی و ضد امپریالیستی قرار دارد.

ما بر آنیم با حرکت از اوضاع جهانی و تحلیل مشخص از اوضاع ایران سرنگونی رژیم سرمایه داری اسلامی را با پرچم افراشته ی متکی به نیروی عظیم توده ها و در مخالفت با دخالت امپریالیسم به ثمر رسانیم. وظیفه سه گانه زیر را تواما و مشرک، براساس اصول کمونیسم علمی و برنا مه که تلفیق اصول با شرایط زمانی و مکانی است تحقق بخشیم:

یکم: باید برای ایجاد حزب کمونیست متحد براساس اصول و برنامه کمونیستی در داخل ایران و در دل جنبش عظیم کارگری همه جانبه کارکنیم. رفقای ما هر جا که هستند تماما و کاملا خود را در خدمت جنبش های کارگری و متحد آن بگذارند، از هرگونه فرقه گرایی، نفی گرایی و انحلال طلبی دوری جویند و نمونه عالی در امر یکی شدن و پیوند زدن با توده باشند..

دوم: باید همچنان به گسترش و متشکل شدن جنبش کارگری برای ایجاد یک تشکیلات کارگری سراسری پرداخت. این آرزوی صد ساله ی پیشروان طبقه کارگر را با تمام نیرو در عمل پیاده کنیم و نشان دهیم که “چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است”.

سوم: اتحاد بزرگ و وسیع ضد فاشیست را علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با هدف سرنگونی آن بوجود آورد و به تقویت کلیه گرایش ها و جنبش های توده ای در وسیعترین شکل آن بر بستر خط مشی سیاسی عمومی پرولتاریایی ضد فاشیستی بپردازیم.

این سه وظیفه کلافی تنیده باهم هستند. رشد یکی به استحکام و توانایی دیگری می افزاید. هنگامی که جنبش کارگری در جایی رشد می کند و پیروزی بدست می آورد برای استحکام دستاوردها و حفظ آن باید به امر کادرسازی پرداخت چه بدون کادر های پرورش یافته در جریان اصلی مبارزات طبقاتی حفظ دستاوردها غیر ممکن است. هنگامی که جنبش توده ای و اعتصابات کارگری آرام است کمونیست ها باید کار عمده خود را به کار توده ای بی سر و صدا و از زیر از یکسو و تلفیق کار مخفی با کار علنی از سوی دیگر اختصاص دهند و در زمانی که جنبش به یک بدیل سیاسی عمومی در برگرنده ی وسیع ترین نیروی توده ای می شود کمونیستها باید نقش پیشرو بودن طبقاتی خود را نشان دهند و در پیشاپیش توده ها با درایت و با نظمی آهین پرولتاریایی گام بردارند.

اوضاع جهان را دستگاه های تبلیغاتی سرمایه داری و امپریالیستی از دید سقوط بورس های جهانی تیره و تار برای خود می بینند و جنبش های توده ای و اعتراضات و اعتصابات کارگران را تروریستی و آشوبگران می خوانند. اما حقیقت چیز دیگریست نیروی عظیم کارگری که میلیاردی هستند بزرگترین نیروی تغییر جهان کنونی اند و هر روز بیشتر نقش تاریخساز خود را به عمل در می آورند.

وفا جاسمی

گرایی مشغول است. در این زمینه از مبلغان ضد کمونیستی اسلامی گرفته تا حقوق بشری های سر به آمریکا باهم همسو هستند.

اما دروغ های بزرگ را حرکت عظیم طبقاتی بر ملا می سازد. بحران ساختاری سرمایه داری جهانی، ویرانگری سیاست نئولیبرالیستی امپریالیسم آمریکا، تجاوزگری به خاورمیانه و بی خانمان کردن میلیون ها مردم این منطقه، ناتوانی نظام سرمایه داری در مبارزه با ویروس کرونا که سه کشور بزرگ سرمایه داری در جهان: آمریکا، هند و برزیل حکومت هایی از نوع شبه فاشیست و راست گرای نژاد پرست سرکار هستند، دروغ بزرگ را افشا کرده و گرایش به سوسیالیسم و کمونیسم در حال رشد است.

در میان جنبش کارگری ایران و کلیه جنبش های توده ای مترقی بویژه در میان جوانان و زنان این گفته روزا لوگزامبورگ زن کمونیست و رهبر انقلابی جنبش کارگری آلمان جا می افتد که بشریت سر دوراهی است: بربریت و سوسیالیسم. در این صد سال از قتل روزا تا بحال کارگران و نیروهای مترقی جهان از سقوط بشریت با درهم شکستن فاشیسم و دشمنان سوسیالیسم، بشریت را از لبه پرتگاه نجات داده اند. بی شک این بار هم با جمعبندی از تجارب گذشته، با درایت تر وظیفه تاریخی انقلاب پرولتری را تحقق خواهند بخشید

محسن رضوانی

اوضاع کنونی و بقیه ازصفحه آخر

دوره بر بستر تضاد اساسی جهان کنونی مبارزه طبقاتی میان پرولتاریا و بورژوازی قرار دارد. هیچ موضوع اجتماعی در جهان نیست که متاثر از این اوضاع تکان نخورده باشد. منطقه خاور میانه نمونه ایست برجسته و گوشه ایست از کل جوامع بشری از جهنم بربریتی که سرمایه داری و امپریالیسم بوجود آورده است و مقاومت و مبارزه توده های عظیم مردم جهان را برانگیخته است.

از یک سو گرایش راست فاشیستی بورژوازی که همچون فاشیسم هیتلری ریشه در برتری نژاد سفید و ضد کمونیستی دارد و از سوی دیگر گرایش چپ انقلابی پرولتاریایی ضد فاشیسی ازپایین میان توده های وسیع کارگران، زحمتکشان مایه می گیرد و می رود به نیروی تعیین کننده برای تغییربنیادی جهان بسود آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم تبدیل شود.

حزب رنجبران ایران در این صف آرایی جهانی طبق وظیفه تاریخی طبقه کارگر ایران در سمت انقلاب و جبهه ی ضد فاشیسم ایستاده است. تلفیق این گرایش عمومی جهانی به شرایط مشخص جامعه ایران و صف آرایی طبقاتی جاری وظیفه مرکزی پرولتاریا براندازی نظام سرمایه داری اسلامی به سرانجام رساندن انقلابی است که قدرت سیاسی بدست طبقه کارگر و متحدان آن که عظیم ترین نیروی مردم ایران را تشکیل می دهند بیفتد. انقلاب کردن در ایران وظیفه تخطی ناپذیر هر نیروی ضد فاشیست است انقلابی که هدفش براندازی

این دولت سهیم باشند. خانم رجوی و شرکا برای کسب قدرت تلاش می کنند. آن ها می خواهند این رژیم را در دولت بورژوازی ساقط کنند و رژیم خودشان را در همین دولت بورژوازی مستقر سازند.

بحث چپ ها و مردم مترقی و آزاده با شما این نیست که چرا می خواهید در فلان کابینه شرکت کنید. شما می توانید بروید در کابینه احمدی نژاد شرکت کنید. میل مبارک است.

بحث چپ ها با شما این است که کسب دولت پرولتاریا بدون حضور پرولتاریا برای “پرولتاریا” غیر ممکن است. غیر از تلاش پرولتاریای متشکل و آگاه در جهت کسب قدرت، هر حزب و سازمانی به قدرت دست یابد، حتما نماینده بورژوازیست. حکمت خیلی روشن می گوید که حزب کمونیست کارگری باید قدرت سیاسی را بگیرد:

ادامه دارد

بهرنگ

با نفی گرایی و بقیه ازصفحه آخر

دو کشور واحد حس می کنند».

براندازی نظام سوسیالیستی شوروی و اروپای شرقی را که توسط ضد کمونیست های خزیده در درون احزاب سوسیالیستی و کمونیستی صورت گرفت و سرمایه داری جهانی آنرا پایان تاریخ نامید متأسفانه فرصت طلبان سوسیال دمکرات اساسا خرده بورژوا در کشور ما همراه با تبلیغات وسیع ضد کمونیستی جمهوری اسلامی دست بدست هم دادند و دستاورد تاریخی پرولتاریا و کمونیست های این سرزمین ها را نفی کردند. اهمیت این گزارش در اینست که پس از سی سال مردم آلمان شرقی به سیاهکاری نظام سرمایه داری جهانی برخورد دارند و به این دروغ بزرگ مهر باطل می زند. من در همان زمان در اکثر این کشورها رفت آمد داشتم و در آلمان غربی زندگی می کردم. شاهد وحشیگری سرمایه داری آلمان غربی توسط نمایندگان ویرانگرشان بودم که خاک آلمان شرقی را به توبره کردند و چنان تبلیغ کردند که در غرب بهترین زندگی ها را برای کارگران فراهم کرده اند. این تبلیغات در زمان وجود دیوار برلین بنام فرار از جهنم کمونیسم با سر و صدای پر طبنی پخش می شد و پس از به اصطلاح وحدت آلمان به صورت ضدیت با مهمانان ناخوانده شرقی ها در آمد که به درستی هنوز طبق این گزارش خود را تابع درجه دوم آلمان حس می کنند.

امروز در میان کلیه گرایش ها چپ ایران یک رگه ی فکری و ایدئولوژیکی خدمت به بورژوازی جهانی و امپریالیسم موجود است که بجای نقد علمی از گذشته جنبش کارگری جهان به لجن پراکنی، سیاهکاری و نفی



نقش منصور حکمت در جنبش کمونیستی (۱۰)

می‌شود از کمونیسم علمی گذشت و سوسیالیسمی را که علمی هم نباشد، پذیرفت و بعد "باید بروید یک جای خاصی، باید در یک جای خاصی از جامعه باشید و آن مرکز عالم سیاست است."

بسیار عالی است. از نظر مارکسیست‌ها مرکز عالم سیاست، کارخانه و طبقه کارگر است. همه دعوای سر لحاف ملا نصرالدین است. بر سر تصاحب ارزش اضافه که از استثمار طبقه کارگر حاصل می‌شود. آنجا مرکز عالم اقتصاد و سیاست است. ولی منصور حکمت آدرس دیگری به ما می‌دهد. از یک طرف می‌رساند که باید بروید در محل‌های شلوغ فعالیت کنید، باید پر سر و صدا باشید تا مطرح شوید و از جانب دیگر طرح می‌کند:

از این بگذریم که اگر فیدل کاسترو با آن شخصیت برجسته و مواضع صادقانه‌اش در چنین شرایطی قرار می‌گرفت، هیچ گاه مثل منصور حکمت تاریخ سازمان‌های کمونیستی را جعل نمی‌کرد و مثل او به کمونیست‌ها نمی‌گفت: برو بابا پی کارت آقا. از این بگذریم. ولی آن نکته قابل تعمق در این گفتار این است که حکمت حاضر است به قدرت سیاسی دست یابد حتی اگر سوسیالیسم‌اش هم علمی نباشد. آن وقت این قدرت سیاسی دیگر در خدمت طبقه کارگر نخواهد بود. در خدمت کی خواهد بود؟ این را منصور حکمت خوب می‌داند؛ در خدمت بورژوازی.

از نظر حکمت، برای به دست گرفتن قدرت سیاسی کارگری ایران - آوریل ۱۹۹۸

ولی منصور حکمت می‌خواهد به دست بگیرد. ولی چگونه؟ او نمی‌خواهد با معیار و فعالیت مارکسیستی قدرت سیاسی را به دست آورد، آموزگار او مارکس و لنین نیستند، ایده آل او کاسترو است. فیدل کاسترو: "راستی به یک معنی من به آدم‌هایی مثل کاسترو و جریان کاسترو در کوبا غبطه می‌خورم. این‌ها آمدند، ۳۰ سال ۲۰ سال سر کار بودند بهداشت آوردند، مسکن آوردند، خیابان‌ها را تمیز کردند، گفتند حق ندارید بزیند توی گوش کسی. سوسیالیسم‌شان علمی نبود و مارکسیسم انقلابی نبود، اگر الآن کاسترو اینجا بود می‌گفت برو بابا پی کار خودت آقا!"

۱ - منصور حکمت - سخنرانی در جلسه افتتاحیه کنگره دوم حزب کمونیست

با نفی گرای و سیاهکاری ضد کمونیستی مبارزه کنیم

سیاسی است) که وحدت دو کشور را اجتناب‌ناپذیر کرد. به علاوه، احساس غالب در شرق آلمان این است که با وحدت دوباره، بسیاری از اموری که به خوبی در آلمان شرقی می‌پرچید و پیش می‌رفت از دست رفته است. ۸۴ درصد از مردم شرق آلمان چنین نظری دارند. آنها گفته‌اند که به هنگام وحدت جامعه مشترکی از دو جامعه ایجاد نشد، بلکه جامعه آلمان شرقی به قبول قوانین و معیارها و ارزش‌های جامعه آلمان غربی سوق یافت و شهروندان شرق آلمان چاره‌ای جز تطبیق خود با شرایط جدید نداشتند. ۸۳ درصد پرسش‌شوندگان شرق آلمان گفته‌اند که پس از وحدت با آنها رفتار متوازن و عادلانه‌ای نشده و ۶۰ درصد هم خود را شهروند درجه

طبق این بررسی که توسط بنیاد «برتلسمان» انجام شده، وحدت دو آلمان برای بخشی از ساکنان شرق این کشور با تغییراتی شدید در زندگی شخصی همراه بود.

کای اوزنیکار، کارشناس بنیاد «برتلسمان» با اشاره به نتایج این بررسی، در باره حاصل مصاحبه‌ها و بحث‌های بین‌گروهی و همچنین نظرسنجی انجام‌شده در میان هزار و ۶۰۰ نفر می‌گوید: "وحدت آلمان در شرق این کشور انقلابی مسالمت‌آمیز و حاصل تظاهرات مکرر روزهای دوشنبه تلقی شده که سرانجام به فروپاشی دیوار برلین انجامیده است". او ادامه می‌دهد اما همین رویداد در غرب آلمان به معنای شکست جمهوری دموکراتیک آلمان (آلمان شرقی عرصه‌های اقتصادی و

پس سی سال مردم آلمان شرقی می‌گویند مانهوز تابع درجه دو در آلمان هستیم و جامعه‌ی قبلی ما دارای امتیازاتی بود که سرمایه داری آنرا پایمال کرد. به بخش هایی از گزارش دویچه وله فارسی در زیر توجه کنید :

"یک بررسی مطالعاتی ۳۰ سال پس از وحدت آلمان شرقی و غربی به نظرات مردم شرق و غرب این کشور در مورد این رویداد تاریخی پرداخته است .

نتایج این بررسی که روز دوشنبه ۱۷ شهریور (هفتم سپتامبر) در گوتزولوی آلمان منتشر شد نشان می‌دهد که در شرق و غرب آلمان به این واقعه از دیدگاه‌های متفاوتی نگریسته می‌شود.

اوضاع کنونی و وظایف کمونیست ها

جنایت و تجاوزات خود بلند می‌کند. در داخل کشورش نیروی مسلح ضد مردمی را بهمان شیوه خامنه‌ای در ایران بکار می‌گیرد. این یکی قران و آن یکی کتاب مقدس را برای در توهم نگهداشتن طرفدارانش بکار می‌گیرند.

در برابر چنین وضعی توده‌های عظیم مردم ستم‌دیده و استثمار شده برای نجات تمدن و دستاوردهای بشریت از سقوط کامل، هر روز آگاه‌تر و بیشتر به بدیل راستین گرایش ضد فاشیستی کارگری و چپ با دور نمای سوسیالیستی رو می‌آورند. چون دو راه و دو آینده‌ی کاملاً متفاوت و متضاد در برابر هم قرار گرفته‌اند. این

افول را در وسعت جهانی گسترش داده و عمق بخشیده است. اگر براین گرایش بحران زده سرمایه داری، فاجعه محیط زیست را بیفزاییم آنوقت گفتمان اجتماعی امروز را می‌توان باور کرد که نظام سرمایه داری جامعه بشری را به لبه پرتگاه بربریت کشانده است. در برابر این بحران عظیم سرمایه داری حاکمان سرمایه و دولت‌های امپریالیستی گرایش به راست فاشیستی را تقویت کرده، نژاد پرستی و نژاد برتر سفید را جلو کشیده، سرکوب و تجاوز جنگ‌های نیابتی را تشویق می‌کنند. امپریالیسم آمریکا با بیش از هفتصد پایگاه نظامی در جهان فریاد ای دزد ای دزد را برای پوشش

جهان پراز هرج و مرج است و در تلاطمی عظیم برای زایشی نوین. این دو جانب تضاد همچنان سیمای جهان کنونی را شکل می‌دهند. یک جانب از بحران ساختاری سرمایه داری، رقابت‌ها انحصارات مالی و تلاش مرگ و زندگی امپریالیسم آمریکا برای ادامه‌ی سرکردگی مایه می‌گیرد و جانب دیگر از خیزش استثمارشدگان، تهیدستان و ستم‌دیدگان جهان جان می‌گیرد و هرروز بر وسعت و عمق آن افزوده می‌شود. بروز ویروس واگیر کوید ۱۹، ناتوانی نظام‌های سرمایه داری برای جلوگیری از کشتار، کشتاری که هیچ بودگان را در درجه اول از پای در می‌آورد، این بحران سرمایه داری در حال

با نشانیهای زیر با ما تماس بگیرید و نشریات حزب را بخواهید:

آدرس پستی حزب رنجبران ایران:
Ranjbar
P.O.Box 5910
Washington DC
20016
U.S.A



آدرس پست الکترونیکی حزب رنجبران ایران:
ranjbaran.org@gmail.com
آدرس عَرُفه حزب در اینترنت:
www.ranjbaran.org